

راه نما



تأملی بر

آثار فیلمسازان جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی

صاحب امتیاز:
دبیرخانه جشنواره مردمی فیلم عمار
 مدیر مسئول:
حمید صالحی
 سردبیر:
حسام مدحت
 هیئت تحریریه:
میثم جرفی
محمد رضا احمدی
محمد رضا مروی
 طراحی گرافیک:
حسین شهریاری
 با تشکر از:
نعیم سپهری
مسیح دلدار



مقدمه:

گعده راهنما،
 گفت و شنودی بر
 آثار فیلمسازان جبهه فرهنگی
 انقلاب اسلامی، به همت دبیرخانه
 جشنواره مردمی فیلم عمار، محلی است
 برای رویش افکار نوین در عرصه‌ی فیلم‌سازی
 به همراه منش انقلابی که این موضوع باعث می‌شود
 فیلمسازان این عرصه علاوه بر اهمیت موضوع ساخت فیلم با محوریت مسائل انقلابی،
 دانش سینمایی خود را به‌روز نمایند. از سوی دیگر، برگزاری این سلسله جلسات، سبب
 شناخته‌شدن فیلمسازان جبهه انقلاب اسلامی در رسانه‌های مختلف و افزایش روحیه آنها برای
 ادامه فعالیت در این عرصه نیز خواهد شد. بستر گعده‌های جشنواره مردمی فیلم عمار، فرصت
 آزمون و خطای مناسبی است تا فیلمسازان بتوانند به‌وسیله‌ی آن، آثار ساخته شده‌ی خود را ارزیابی
 کرده و به ایرادات آن پی‌برده و اثر خود را اصلاح کنند. یکی از اهداف اصلی جشنواره مردمی فیلم عمار،
 تربیت نیروی متعهد و کاربلد برای عرصه‌های مختلف فرهنگی کشور به ویژه زمینه‌ی فیلم‌سازی بوده‌است؛
 این نشست‌ها باعث هم‌افزایی هرچه بیشتر و کارآمدتر میان پیشکسوتان حوزه فیلم‌سازی انقلاب اسلامی و نسل
 جدید خواهد شد و فیلمسازان جوان می‌توانند با بهره‌گیری از تجربیات آنان، آثاری فاخر تولید نمایند.
 البته نباید از این نکته غافل شویم که این نهال نوپا که به مدد اعضای دبیرخانه شکل گرفته و در ابتدای
 مسیر خود قرار دارد؛ قطعا در آینده نزدیک، شاهد حرف‌های کلیدی‌تر و همچنین جهت دهی‌های
 صحیح و اصولی‌تری برای پیش‌برد اهداف سینمای انقلاب اسلامی خواهیم بود.
 گعده مجازی راه‌نما بصورت زنده از صفحه اینستاگرامی و سامانه اکران مردمی جشنواره
 عمار برگزار می‌شود.
 دبیرخانه جشنواره مردمی فیلم عمار، برای بهبود کار و رفع ایرادات در
 تمامی مراحل برگزاری گعده‌های راه‌نما، نیازمند دریافت نظرات،
 پیشنهادات و انتقادات شما خواهد بود.

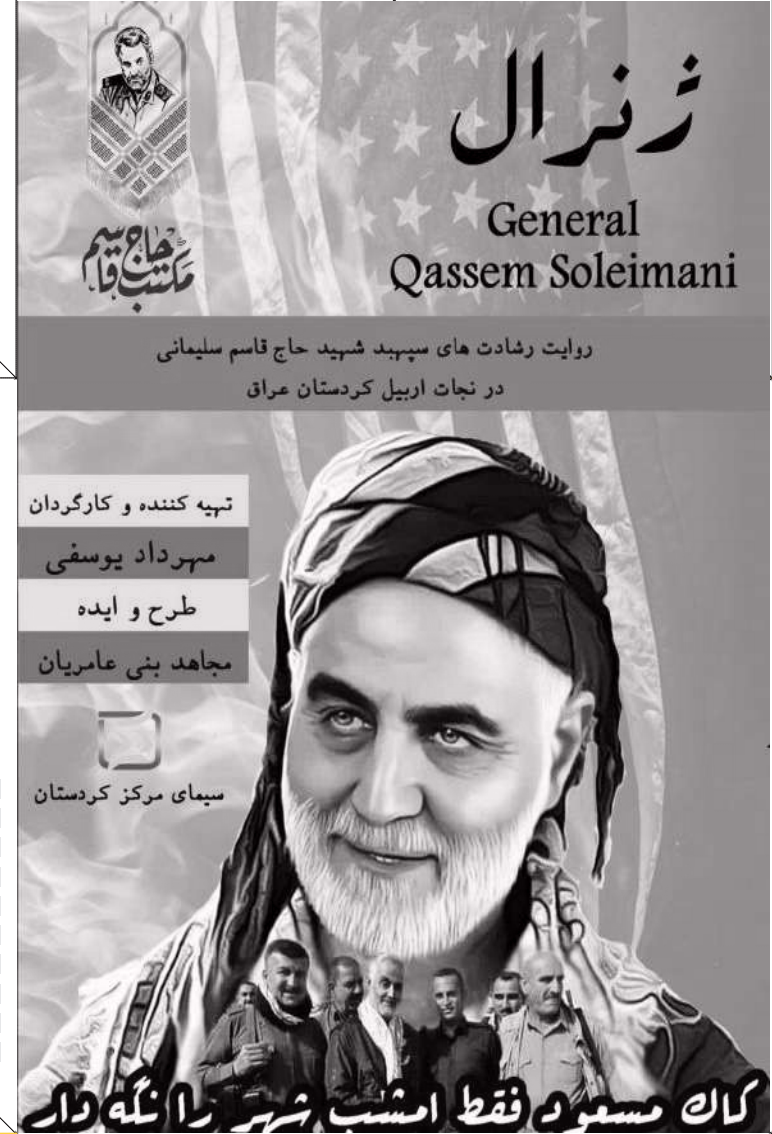
شماره تماس دبیرخانه جشنواره
مردمی فیلم عمار:
۰۲۱۴۲۷۹۵۳۰۰

مستند «ژنرال»

نهضت جهانی مستضعفین و مدافعان حرم
برگزیده لوح افتخار دوازدهمین جشنواره مردم فیلم عمار

خلاصه مستند:

با حمله داعش به اربیل عراق، وحشت تمام شهر را فرا می‌گیرد، مقاومت پیشمرگه‌ها نیز در هم می‌شکند و مردم به فرار رو می‌آورند. مقامات اقلیم کردستان از کشورهای مختلفی از جمله آمریکا، ترکیه و... درخواست کمک می‌کنند اما نتیجه‌ای نمی‌گیرند. سرانجام ایران درخواست کمک‌شان را جواب داده و حاج قاسم سریعاً به اربیل می‌رود. با حضور و همکاری نیروهای ایرانی و نیروهای حشدالشعبی، موفق به شکست نیروهای داعش می‌شوند. مردم و مقامات اقلیم کردستان بارها در مصاحبه‌های مختلف از کمک و حمایت ایران و حاج قاسم یاد می‌کنند.



راش های

این فیلم سند

تاریخی است، سندهای

تاریخی ای که فوق العاده اهمیت

داشته و سرنوشت ساز اند. نیاز داریم به

فیلمسازانی مثل آقای یوسفی که این اطلاعات را از

زبان خود طرف بگیرند. در زمینه کار مستند یا کارهای داستانی، اندکی جنبه استثناء

نیز تأثیر دارد. ولی در زمینه فیلم مستند، بخش عمده ای از ماجرا همان واقعیت است؛

اینکه با این رویکرد پیش برویم که نوآوری مهم است یا یادآوری؟ در عرصه همین یادآوری ها

است که نوآوری ها شکل می گیرند. اما مشکل ظریفی که وجود دارد سر همین حجم انبوه

حرف های ناگفته است؛ همه این مطالبی که داریم نیازمند نوعی حرفه ای گری است؛ کار ژنرال به

دلیل ساختار حرفه ای و قوی ای که دارد، این مشکل کمتر در آن دیده می شود. فیلمسازانی که می خواهند

در این عرصه کار کنند، باتوجه به حجم پیام و ارکان باید با دید اساسی به موضوع بنگرند که با چه

چینشی اتفاق بیفتد؟ چه گزینشی داشته باشند؟ و نهایتاً چه سیری اتفاق بیفتد؟ زیرا داستان

پیدا کردن آن، از اهمیت بالایی برخوردار است. از داستان مستند ژنرال، می شود یک

سریال ساخت.

مستند ژنرال، مصداق یک کار خوب بسیجی و خودجوش است

به بهانه همین فیلم ژنرال خدمتتان عرض کنم، یک جنگ

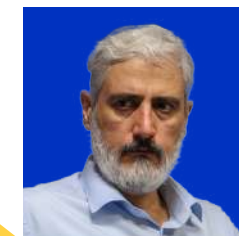
جهانی تمام عیار بین خیال و عقل شکل گرفته است،

همیشه این مسئله در تاریخ وجود داشته

است که فیلمساز می خواهد

روی احساسات مخاطب

تأثیر بگذارد؟ یا



نعمت الله سعیدی
نویسنده و منتقد سینما

ساختار حرفه ای در کنار روایتگری دقیق

غربی‌ها به دنبال ترویج جاهلیت مدرن هستند



می‌خواهد
روی افکار و
قدرت تحلیلش تأثیر
بگذارد؟ آیا این‌ها با هم منافاتی
دارند؟ شما وقتی بر قدرت تحلیل مخاطبت
اثر می‌گذاری، روی احساسش هم اثر گذاشتی؛
غیرممکن است در تحلیل یک مخاطب اثرگذاری کنی و روی
احساساتش اثر نگذاری. اما معکوسش امکان دارد؛ یعنی مخاطب
احساساتش تحریک بشود، اما آن اثر را تحلیل نکند. بنابراین مستندساز قصد
دارد به یک تأثیرگذاری روانی هم برسد. ژنرال یک مصداق خیلی خوب برای کار بسیجی
خودجوش کلاسیک است؛ شاید فکر کنید بسیجی‌اش بیشتر است، نه این‌طور نیست. درواقع با
اثری مواجه هستیم که هم بسیجی است، هم آتش به اختیار است، هم سینما را می‌شناسد، و هم قاب
را می‌شناسد؛ این‌ها اهمیت دارند.

باید ما و مستندسازان جوان به این سمت برویم که درواقع بخواهیم عقلانیت مخاطب را
بنویسیم و به او خوراک بدهیم، درواقع موقعیت‌ها را
پیش خود مخاطب بگذاریم، خودش به تحلیل
برسد و خیلی‌ها هستند در لحظات این
فیلم دقیقاً به هم‌چین هدفی رسیدند؛
زیرا راوی فیلم در مورد فیلم
تحلیلی ارائه نمی‌دهد، فقط
دارد مصالح و تحلیل را در
اختیار قرار می‌دهد.

شما وقتی بر قدرت
تحلیل مخاطبت اثر
می‌گذاری، روی احساسش هم
اثر گذاشتی؛ غیرممکن است در
تحلیل یک مخاطب اثرگذاری کنی
و روی احساساتش اثر نگذاری.

دو

ویژگی

اصلی هنر

خلاقیت و نوآوری می‌باشد.

این خلاقیت و نوآوری در بستر تفکر

رقیب ما تحت این عنوان است که جهان

معنایی ندارد و هنرمند در واقع با یک رویکرد، یک

معنایی را می‌سازد و بنابراین ذات هنرمین است. حال به این دو کلیدواژه دقت

کنید. در هنر، نوآوری مهم است یا یادآوری؟ ذکر مهم است یا بدعت؟ نوآوری می‌تواند

شامل دایره مفاهیم گسترده‌ای بشود، یکی از آن مفاهیم می‌تواند بدعت باشد. چرا اهمیت

دارد؟ به خاطر اینکه نوآوری در بستر یادآوری شکل می‌گیرد، اصل و ارزش نوآوری به همین است.

اولین شرط اینکه می‌خواهیم کار نو انجام بدهیم این است که باید بگوییم قدیم چه بوده؟ در تاریخ

چه گذشته است؟ حالا یک کار نو انجام بدهیم، بنابراین در واقع بستر نوآوری در یادآوری شکل می‌گیرد.

یادآوری، مبنای اصلی کاردر مستندنگاری تاریخی است

وظیفه مستندنگاری تاریخی همین است، می‌خواهد تاریخ را یادآوری کند. می‌خواهد

برود در تاریخ نوآوری کند که وقایع تاریخی را تغییر دهد؟ یا می‌خواهد

ماهیت تاریخ را عوض کند؟ خیر. دقیقاً وظیفه مستندساز این

است که باید آنجا یادآوری کند. ما وقتی می‌خواهیم از

گردها و عراق بگوییم، اولین موضوع مثلاً حلبچه

است، آن هم تصویر چند تا زن و

بچه‌ای که در بمباران شیمیایی

به شهادت رسیدند،

همین. دیگر

نه

نوآوری مهم است یا یادآوری؟ ذکر مهم است یا بدعت؟



روایت

می‌شویم.

همین ماجرای انفال

جالب است؛ صفحه اول

همه‌اش بی‌بی‌سی و رسانه‌های خارجی

بود، خیلی کوتاه هم بود، کشته شدن دویست

هزار نفر آدم اصلاً در تاریخ محو شده‌است. اصل اتفاق را حذف و سانسور می‌کنند.

سانسور ستیزی که اصل ماجراست، جای دیگری دارد اتفاق می‌افتد، تاریخ را سانسور

می‌کنند و درواقع آن ملتی هم که با تاریخ آشنا نباشد، متضرر خواهد شد. ما آن‌قدر سهم

نداشتیم، رسانه‌های خارجی مانند صدای آمریکا، بی‌بی‌سی و رسانه‌های عربستان سعودی بارها با

بارزانی مصاحبه می‌کنند، سهم ما چقدر است؟ چند بار ما با بارزانی مصاحبه کردیم؟

عمقی

دارد، نه

تدابیری دارد. آیا

حقیقت مسئله حل‌بچه همین

است؟ خیر. رژیم صدام عملیات انفال

را داشته، بعضی‌ها می‌گویند آنجا دویست هزار

نفر را کشته و درواقع پاکسازی نسل انجام داده است.

اصلاً نسل‌کشی از این بالاتر هم مگر در تاریخ مصداقی دارد؟ اما

تاریخ ما یادآوری نمی‌شود، مستندساز هم تصور می‌کند که درباره سوریه و

سردار سلیمانی، چه می‌خواهم بگویم؟ همه چیز گفته شده است. در حالی که دقیقاً

برعکس این است. نمونه کارهایی مانند ژنرال نشان می‌دهد که این ابتدای راه است، انتهای

راه نیست. در ماجرای سردار سلیمانی هر چه بگوییم، به نقطه اوج نرسیده‌ایم و انتهای آن نیستیم.

سوءتفاهمات سیاسی ناشی از عدم آگاهی تاریخی است

ناگفته‌های تاریخی زیاد است و اصلاً این جنایت‌ها و تمام این سوءتفاهم‌های سیاسی

محصول چیست؟ محصول همین عدم آگاهی از تاریخ است. دره‌مین کردستان

عراق در یک دوره‌ای خود دولت‌ش به او خیانت کرد! از این بالاتر مگر

ممکن است؟ حکومت مرکزی عراق و خود کردستان مدعی این

ماجراست.

مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) می‌فرمایند:

«اگر روایت نکنیم، روایت می‌شویم»،

بله! روایت می‌شویم؛ آن هم

با سیاست خودش

(رقیب)



رسانه، ماهیت جنگ داعش

مستندهایی مثل ژنرال، لزوما نتیجه‌گیری را به مخاطب واگذار نمی‌کنند و کسی که نتیجه‌گیری می‌کند، مخاطب نیست. این‌ها همه جای خودش هستند، آن که عرض کردم در واقع قالب کار است، عمده کار به شما مصالح می‌دهد تا تحلیل خودت را انجام دهی. هر جا که لازم باشد، رُک و پوست‌کنده تحلیل‌هایش را ارائه می‌دهد. یک روایت می‌گوید که اربیل در حال سقوط بود، سردار سلیمانی همین که رفت خودش را نشان داد، مسئله حل شد. این تاحدودی درست است ولی همه‌اش نیست. آن طرف نیز همانطور، چرا به این عنوان که بخش عمده‌ای از ماهیت جنگ داعش رسانه‌ای بود، اول قلب‌های مخاطب را و بعد ذهن مخاطب را هدف می‌گرفت، ترس و وحشتی در آن ایجاد کرده و سپس شروع به جنگ می‌کرد. شهید سلیمانی به عنوان اولین شخص موثر آنجا حضور پیدا کرده است یا خیر؟ من مخالف تکذیب یا تصدیقش هستم؛ ما در واقع تجزیه و تحلیلش می‌کنیم. یا این سلاحی که برده است، نیازی به تحلیل ندارد؛ شما قبول داری این سلاح آنجا رفته است؟ همین کل مسئله را روشن می‌کند؛ ما نگفتیم که ما به زمین شما آمدیم، نه! فقط راهش را به شما نشان می‌دهیم که اگر می‌خواهید سرزمین خودتان را پس بگیرید راهش این است.

Qassem Suleimani photo makeover reveals Iran's new publicity strategy

Professional pictures of the Quds commander are part of Iranian promotion of its support of Iraq forces against Isis



زیر سوال رفتن حقایق اصلی نجات اربیل، دلیل ساخت مستند ژنرال بود

اقلیم کردستان دو شبکه معروف به نام شبکه روداو و شبکه کردستان ۲۴ دارد، این شبکه‌ها پرونده ویژه‌ای را برای بحث حضور سردار سلیمانی در عراق باز کرده بودند. در فیلم من از کارشناسان خودشان و حتی از مقامات سیاسی‌شان که آمدند صحبت کردند و از سردار تشکر کردند. همان‌هایی که پیش از این زیر قضیه زده بودند و می‌گفتند نه اصلاً چنین چیزی نبوده و نجات اربیل توسط سردار سلیمانی صورت نگرفته و توسط پیشمرگ‌هایمان انجام شده است؛ سردار سلیمانی حضور کوتاهی داشت و توان مقابله نداشت و رفت! این چیزی بود که رسانه‌های کردستان عراق به خاطر حس حقارتشان تولید کردند. من از قبل منابعی را داشتم، دیدیم که اینجا اصل قضیه زیر سؤال رفته است، درحالی‌که منابعی را از تلویزیون‌های متعدد خود کردستان عراق داشتیم و از گفتگوهای اینترنتی یا برنامه‌های ویژه‌ای که از مسعود بارزانی، تانچيروان بارزانی (رئیس اقلیم کردستان) که در باب موضوع نجات اربیل، از سردار سلیمانی و ایران تشکر

مهرداد یوسفی
کارگردان مستند ژنرال



بیوگرافی کارگردان: مهرداد یوسفی متولد ۱۳۵۸ شهر سنندج استان کردستان، دانش‌آموخته رشته ادبیات نمایشی و سینما

فیلم شناسی: لبه دوم تیغ، ژنرال، ساعت صفر، به نام خلق گرد، از میهم تا رمادی، مجید بربری، الگوی سوم زنان، بر بال ملائک، چهل سردار، پیشمرگان مسلمان کرد، یگان حزب الله، مرد سال‌های جنگ و....

کردند؛
اینجا ما به
ذهنمان رسید که در
قالب مستند و با همین منابعی
که در اختیار داریم، به جمله‌هایی که
از سوی شبکه‌های گُردی وارد می‌شود، جوابیه‌ای
بدهیم.

اپوزیسیون و مخالفین جمهوری اسلامی ایران قصد داشتند نقش سردار سلیمانی را کمرنگ جلوه دهند

اپوزیسیون گُرد و مخالفین جمهوری اسلامی به نشر این موضوع خیلی کمک کردند، که سردار سلیمانی در سوریه بود و در عراق خیلی نقش ویژه‌ای نداشت یا اینکه با حشدالشعبی از شهرهای مقدس مانند کربلا محافظت می‌کرد؛ آن‌ها داشتند اثر و حرکت تاریخی حضور سردار در مناطق گُردنشین را پاک می‌کردند. از تلویزیون‌ها و رسانه‌های این‌ها به این جمله زیاد دامن زده می‌شد؛ من آرشیو خیلی زیادی دارم، همه این‌ها را گرفتم، طرف را آورده‌بودند و چنان با هیجان تعریف می‌کرد که من در تک تک عملیات‌ها کنار برادران پیشمرگ عراقی خودم بودم، اصلاً ندیدم، این دروغ محض است! چنان سناریوسازی کردند که همه این‌ها را از تاریخ پاک کنند.

**سردار سلیمانی
حضور کوتاهی داشت و
توان مقابله نداشت و رفت!
این چیزی بود که رسانه‌های
کردستان عراق به خاطر حس
حقارتشان تولید کردند**

سیستم روداو یا تلویزیون‌های کردستان کاملاً تحت سیطره اسرائیل است

خدا را
شکر این اسناد
تاریخی نهفته بود، حالا
تلاش دوستان توانست
که همه این‌ها دربیاید و خط
بطلانی بر تمام آن جمله‌هایی که
وارد کردند، بکشد.

تمام ساختار رسانه ای اقلیم کردستان، تحت سیطره رژیم صهیونیستی است

ما با حساب های کاربری جعلی، از طریق فیسبوک با بعضی از کارکنان روشنبیری (وزارت فرهنگ و ارشاد اقلیم کردستان) ارتباط گرفتیم. به دلیل اینکه بخشی از آن‌ها هم در جریان جبهه‌ها حضور داشتند از آن‌ها تقاضا کردیم؛ چون سیستم روداو یا تلویزیون‌های کردستان کاملاً تحت سیطره اسرائیل است، یعنی رژیم صهیونیستی بنیان این شبکه تلویزیون را ایجاد کرد و تمام هزینه‌هایش را پرداخت می‌کند و شیوه‌های امنیتی بسیار شدیدی دارد. کارمندان هم اجازه خروج راش‌ها یا خیلی از اسناد از آنجا را نداشتند. ولی در وزارت روشنبیری یک سری فیلمساز داشت، از طریق آشناهایی که در کشورمان بودند، توانستیم بخشی از این منابع را به دست بیاوریم، یعنی واقعاً برای پیدا کردن آن منابع و آرشیوها تلاش شد و خدا را شکر تا اینجای کار اثرگذار بوده‌است.

می‌ترسند امنیت‌شان به خطر بیفتد و ترور بشوند، خانواده‌شان معرض آسیب قرار بگیرد، ولی من نمی‌دانم حالا چه حسی است، دقیقاً من همین خط را دنبال کردم. اگر به کارنامه مستندسازی من نگاهی بیندازید، برای اولین بار بود که سراغ خیلی از ناگفته‌هایی که سال‌ها حاکمیت در قبال آن موضوعات سکوت کرده بود رفتیم. به این

شکل نیست که بگویم من یک حاشیه امنی دارم؛ من هم در همین اجتماع زندگی می‌کنم، ولی واقعاً این خطرها وجود دارد؛ هیچ‌کس جرأت نمی‌کند که نه تنها فیلم، بلکه سایر محتواهای دیگر مثلاً کار خبر بنویسد. ما اینجا یکی از دوستان را داشتیم که در حوزه شهدای کردستان قلم می‌زد، برای مقدمه کتابش به تاریخ کردستان و غائله کردستان اشاره کرده بود، آن گروهک‌هایی که آمدند کار کردند، اینجا را به آشوب کشیدند، در مسیرش قرار گرفتند و او را بردند، با بدبختی و کلی عذاب توانست رهایی پیدا بکند. او اصلاً در این منطقه نماند؛ به خاطر همین واقعاً جسارت می‌خواهد که تا عمق خاک عراق بروی و آدم‌ها را پیدا کنی.

واقعا جسارت می‌خواهد که تا عمق خاک عراق بروی و آدم‌ها را پیدا کنی.

اینجا فیلمسازها به شدت می‌ترسند؛ یک مسئله انقلابی یا یک سوژه که مربوط به نظام و انقلاب باشد را هیچ‌کس جرأت ورود ندارد.

مردم اقلیم کردستان عاشقانه سردار سلیمانی را دوست دارند

درباره این موضوع که مردم کردستان واقعاً عاشق سردار سلیمانی هستند، رسانه‌های ما کوتاهی کردند؛ آن ایامی که خبر شهادت سردار سلیمانی رسانه‌ای شد، من خودم دوربینم را برداشتم، رفتم از این صحنه‌ها تصویربرداری کنم؛ زن میانسالی را دیدم که با دیدن پوستر سردار روی زمین افتاد و اشک می‌ریخت، با زبان گُردی گریه و شیون می‌کرد؛ مانند سایر نقاط دیگر که شهید سلیمانی ملقب به سردار دل‌ها شد و واقعاً در دل مردم کردستان هم جا گرفته است.

برای روایت حقایق ترسی ندارم

جسارتم در تولید این کار به خاطر تاریخی که خواندم و به آن علاقه دارم و تاریخ را با فیلمسازی در کارهای شخصی خودم پیوند زدم، برمی‌گردد و ترسی ندارم. اینجا فیلمسازها به شدت می‌ترسند؛ یعنی شما یک مسئله انقلابی یا یک سوژه که مربوط به نظام و انقلاب باشد یا حداقل مربوط به جریان اوایل پیروزی انقلاب اسلامی باشد، هیچ‌کس جرأت ورود ندارد.

مستند «دراکوخار»

نقد درون‌گفتمانی

خلاصه مستند:

سال ۱۳۹۷ ساخت پروژه گردشگری توریستی در تنگه تکاب بهیچان آغاز می‌شود. تنگه تکاب، منطقه‌ای سرسبز با تنوع گیاهی و جانوری بالاست که قانوناً متعلق به تمام مردم است اما عده‌ای با ساخت ویلا در این منطقه آن را به ملک شخصی خود تبدیل می‌کنند. در پی اعتراض مسئولان استانی و فعالان محیط زیستی، آقای کلانتری، وزیر محیط زیست طی نامه‌ای عجیب از این پروژه حمایت کرده و دستور به اجرای آن می‌دهد. کارشناسان و کنشگران اجتماعی همچنان مشکلات متعدد قانونی و زیست‌محیطی این پروژه را گوشزد می‌کنند.



اتفاقی

که در جشنواره

عمار تحت عنوان نقد

درون گفتمانی افتاد، یعنی ساخت

فیلم‌های منتقدانه و معترضانه پرداختن

به موضوعاتی که در سایر جشنواره‌ها و حتی

صداوسیما امکان آن وجود نداشت. ما و خیلی از فیلمسازهایی که از

جشنواره عمار رشد پیدا کرده و کارهای مختلفی برای جشنواره‌های داخلی

و خارجی آماده کردند، به واقع مدیون مرحوم نادر طالب‌زاده هستیم که

به ما میدان داد تا دیده شویم و همیشه انرژی فوق‌العاده‌ای از نکته

سنجی‌ها و آموزش‌های ایشان می‌گرفتیم.

ساخت فیلم‌های مستند با مضمون نقد درون‌گفتمانی، تنها از سر

دغدغه‌مندی است؛ این آثار بر اثر تماشای مشکلات از نگاه بچه‌هایی

است که با اهداف و آرمان‌های انقلاب اسلامی همراه هستند. هدف این

کارگردانان بیان دغدغه‌ها و نکاتی است که از دل مشکلات جامعه امروز

بیرون آمده و برای حل آن‌ها راهکار نشان داده و در نهایت تا حصول نتیجه

لازم، از مسئولین مربوطه پیگیری و مطالبه‌گری می‌کنند؛ این فضا از طریق

جشنواره عمار فراهم شده است. در هیچ کجا، چنین فضایی برای مستند

سازی فراهم نبوده است؛ حتی برخی جشنواره‌هایی که در مقاطعی خاص

شکل می‌گرفتند و مدیران آن‌ها با نگاه انقلاب اسلامی همراه نبودند، صرفاً

فیلم‌های تاریکی را اکران می‌کردند تا فضای یاس و ناامیدی را القا کنند. اما

جشنواره عمار راه جدیدی گشود تا فیلم‌ها انتقادی تند اما امیدوارانه

ساخته شوند؛ بسیاری از فیلم‌هایی که اکران شد، به مطالبه از

مسئولین تبدیل گشت که باعث رفع برخی معضلات شد.



حجت عدالت‌پناه

کارگردان ادوار جشنواره مردمی فیلم عمار

مطالبه‌گری در مستندسازی!

اینکه یک مستندساز مشکلات موجود در نزدیکی محل زندگی‌اش را به صورت مستند ارائه می‌دهد، بسیار قابل تحسین است. امروز به لطف جشنواره عمار ما شاهد حضور فیلمسازان جوان و توانمند در تمام نقاط کشور هستیم که مسائل و مشکلات محیط اطراف خودشان را به خوبی به تصویر می‌کشند و این کار برای مدیران مختلفی که تصمیمات‌شان گره خورده به زندگی مردم است، راه‌گشا می‌باشد.

دراکوخار، فیلمی
ذیل مستندسازی تحقیقی
است؛ ویژگی مستندسازی
تحقیقی و نقد درون‌گفتمانی، این است
که با تحقیق و پژوهش همراه می‌شود و مسئله
محور است تا اطلاعاتی که برخی افراد، میلی به
افشای آن ندارند را کسب نماید. این‌ها کار یک مستندساز
تحقیقی است که یک معضلی توسط شما شناسایی شد و احساس
کردید فساد در آن اتفاق افتاده و اقداماتی خارج از چارچوب قانون صورت
گرفته است؛ با ابزار و هنر خود به صورت کلی به مسائل بپردازید. رسالت یک
مستندساز تحقیقی این است که در مسائل بتواند بیش از سایر رسانه‌های معمولی ورود
پیدا کند؛ البته این کار سخت، محدودکننده، خطرناک و پرهزینه است. یک مستندساز تحقیقی
باید خود را برای تمامی این مسائل آماده کند؛ گاهی مجبور می‌شویم از دوربین مخفی برای ثبت
حقایقی استفاده کنیم که خیلی افراد ذی‌نفع نمی‌خواهند آنها افشا شود. فیلم‌های مستندی که من ساختم
بعضاً امکان ضبط قانونی نداشتند و ما مجبور بودیم با استفاده از دوربین مخفی آنها را ضبط کنیم.

وظیفه یک مستندساز تحقیقی، ارائه راه‌حل برای معضلات است

مستندسازان تحقیقی برای پیش‌بردن یک جامعه به سمت پیشرفت، باید آثاری تولید کنند
که در کنار نمایش معضلات، راهکارهای برون‌رفت از آن را نیز تبیین کند؛ ساخت مستندهایی
که صرفاً به نمایش مشکلات و سیاه‌نمایی از وضعیت جامعه می‌پردازند در دستور کار
شبکه‌های معاند قرار دارد؛ نتیجه‌گیری و راه‌حلی که مستندسازان ما در پایان فیلم
خود قرار می‌دهند، برگ برنده آثار آنهاست. رسالت ما به عنوان فیلمساز مستند و
کسی که دغدغه‌مند اصلاح کشورش است، تحقیق کافی و لایه لایه درخصوص
مسئله‌ای است که می‌خواهیم به آن بپردازیم.

نمایش مسئولینی که مخالف با ویلاسازی بودند مانند امام جمعه آن
شهرستان، کار خوبی بود و نشان می‌دهد همه مسئولان نسبت به این
موضوع بی‌تفاوت نیستند. دغدغه‌مندی و دلسوزی کارگردان در تمام
صحنه‌بندی‌ها به وضوح مشخص بود؛ حتی این موضوع که در
پلان نهایی، مسئله تغییر کاربری زمین‌های کشاورزی و ویلاسازی
بهیجان به کل کشور تعمیم داده‌شد، کاری بسیار ارزشمند بود.

مطالبه‌گری در مستندسازی!



کار مستندسازی تحقیقی، نیازمند اطلاعات جامع و دقیق است

قالب اینگونه فیلم‌ها تحت تاثیر محتوا شکل می‌گیرد. اگر بخواهیم راجع به یک فساد صحبت کنیم، بایستی به ابعاد مختلف آن پردازیم؛ طبیعتاً اگر این فساد عمومی شده باشد، اطلاعات بیشتری وجود دارد اما در غیر این صورت، نیازمند تحقیقات کارآگاه‌گونه است تا یک حقیقت کشف شود. این موضوع ارتباطات گسترده‌ای می‌خواهد تا در صورت برخورد با مشکلات، شما را مورد حمایت قرار دهد و همچنین بتوانید از آنها اطلاعات کسب کنید.

یکی دیگر از مسائلی که مستندسازان تحقیقی باید مدنظر داشته باشند، این است که نگاه کلی خود را حفظ نمایند؛ یعنی اگر متوجه فساد کوچکی شدید، باید با نگاه کلی ریشه آن را پیدا کنید و نمای کلی را بیابید تا منجر به حصول نتیجه مثبت برای جامعه شود. یکی از آفات کار مستندسازی تحقیقی، این است که فرد جو زده شده و سریعاً بخواهد مسئله‌ای که یافته را بیان کند؛ این موضوع باعث از بین رفتن اعتبار رسانه‌ای خواهد شد و برای جلوگیری از آن بایستی با اساتید و پیشکسوتان این عرصه در ارتباط باشید؛ همچنین برای اطلاعات مورد استفاده در مستند نیز نباید به صحبت‌های افراد محلی اکتفا شود.

مستندسازی تحقیقی علاوه بر جلوگیری، می‌تواند باعث پیشگیری از فساد شود

تمامی این اقدامات وقتی انجام شد، بایستی حواسمان را جمع کنیم تا در خروجی کار، فضای مطالبه‌گری بدون یاس و ناامیدی را نمایش دهیم نه اینکه همین مستند ما به عنوان فیلمی از شرایط

نامطلوب

کشور در شبکه‌های معاند

پخش شود؛ بارها شاهد

این موضوع بوده‌ایم که یک

مستندساز از روی ناآگاهی فیلمی تهیه

می‌کند و شبکه‌های خارجی با اهدافی که دارند

از آن بهره می‌برند. بی‌طرفی نیز دیگر ویژگی مهم و

اصلی یک مستندساز تحقیقی است. ساخت اینگونه آثار

علاوه بر جلوگیری از فسادهایی که در حال وقوع است، می‌تواند

باعث پیشگیری نیز بشود؛ زیرا فردی که موقعیتی برایش فراهم می‌شود،

وقتی بداند افرادی او را رصد می‌کنند، شاید از سوءاستفاده از موقعیت خود

منصرف شود.

جامعه اسلامی، جامعه‌ای است که همه در آن مسئول هستند

باید در این سبک از مستندسازی مراقب باشیم تا جریان‌های خاص سیاسی از حسن نیت ما برای مبارزه با یک فساد سوءاستفاده نکنند؛ همچنین پیش از انجام هر کار بایستی جنبه‌های مختلف آن را با مشورت چند پیشکسوت دلسوز در نظر بگیریم. دشمن همیشه به دنبال سوءاستفاده از آثار مختلف به ویژه آثار بخش مستند است و باید مراقب این موضوع باشیم. همچنین پس از ساخت یک اثر، تا حصول نتیجه بایستی پیوست‌های رسانه‌ای مختلفی از آن ارائه دهیم.

به خاطر دارم بعد از ساخت یکی از مستندهای این حوزه و

پخش آن در صداوسیما، آن موضوع تبدیل به یک مطالبه

مردمی شد و حتی نمایندگان مجلس شورای

اسلامی نیز به آن ورود پیدا کردند. جامعه

اسلامی، جامعه‌ای است که همه در

آن مسئول هستند و کسی

نمی‌تواند از مسئولیت

شانه خالی کند.

تفاوت جشنواره عمار

مطالبه‌گری برای هنرچو و مستندساز، یک رسالت است

مطالبه‌گری، نیروی
محركه یک مستندساز
است و من به عنوان
یک هنرچو و مستندساز،
مطالبه‌گری را یک رسالت
برای خود می‌دانم. مستند
ساز وقتی می‌تواند حرکت
مفید داشته باشد که قشر
ضعیف جامعه برایش در
اولویت باشند.

جشنواره عمار، تنها جشنواره‌ای است که به مسائلی مانند نقد درون گفتمانی و مطالبه‌گری می‌پردازد، پس از تماشای بسیاری از مستندهای جشنواره عمار از سال ۸۹، متوجه شدم کمتر به مسئله کوه‌خواری توجه شده و تصمیم به تولید این اثر گرفتم. بسیاری از مستندسازان جوان، دغدغه دارند اما مشکلات مختلفی در سر راهشان قرار دارد که من هم با آن‌ها مواجه بودم؛ مستند دراکوچار را تقریباً دست تنها آماده ارسال به جشنواره کردم. ساخت مستند دراکوچار با یک دوربین معمولی انجام گرفت و حتی برای تدوین نیز از افراد حرفه‌ای استفاده نشد، زیرا در بهبهان تدوینگر حرفه‌ای و سینمایی وجود ندارد؛ هزینه‌هایی که برای این اثر پرداخت شد نیز از محل حقوق معلمی خودم بوده است. همچنین برای دریافت مجوز حتی از اداره فرهنگ و ارشاد نیز با مشکلات ریز و درشتی دست و پنجه نرم کردیم. به هر نحوی مستند دراکوچار را ساخته و به دبیرخانه جشنواره ارسال کردیم. اما عوامل اجرایی جشنواره عمار برای ما سنگ تمام گذاشتند؛ اینکه با آن حجم کار با ما تماس گرفته می‌شد و پیگیر کار ما بودند بسیار قابل تحسین است؛ همین برنامه‌ای که الان ترتیب داده شده نیز نشان از اهمیت کار ما برای عوامل جشنواره عمار دارد و طبیعتاً باعث افزایش انگیزه برای فیلمسازان جوان خواهد شد. تفاوت جشنواره عمار با سایر فستیوال‌ها همین است.

یاد و خاطره مرحوم نادر طالب‌زاده گرامی باد که حمایت‌های بسیاری از ما داشتند. برای اکران دراکوچار از ایشان می‌خواستیم دعوت کنیم که متأسفانه مرحوم شدند و روزی که ما اکران داشتیم، پیکر حاج نادر در معراج الشهدا بود.

صادق خاتم پور
کارگردان مستند «دراکوچار»



بیوگرافی کارگردان: صادق خاتم پور متولد ۱۳۷۹،
شهر بهبهان، استان خوزستان، دانشجوی رشته آموزش
کودکان استثنایی

فیلم شناسی: دراکوچار



رضا برجی
کارگردان، نویسنده و عکاس

مدرسه انسان سازی



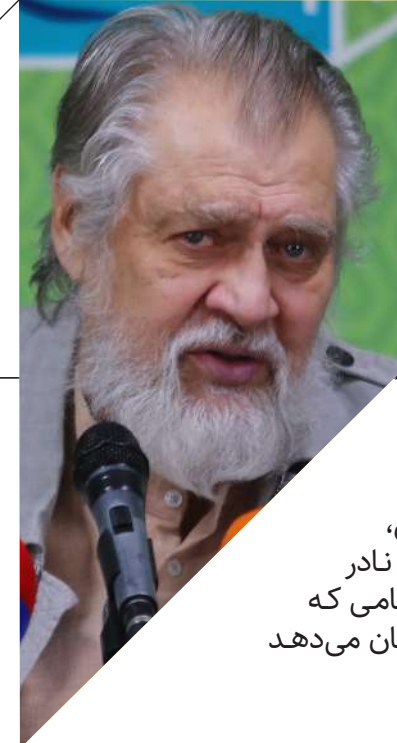
ویژه‌برنامه چهلم
زنده‌یاد حاج نادر طالب‌زاده

نشست سوم
۱۶/خردادماه/۱۴۰۱

نادر طالب‌زاده، از نوجوانی به آمریکا رفته بود و ابتدا برای مقطع کارشناسی در رشته زبان انگلیسی و سپس برای کارشناسی ارشد در رشته سینما تحصیل کرد؛ پس از آن نیز با وقوع انقلاب اسلامی ایران به کشور بازگشت و عازم جبهه‌های نبرد حق علیه باطل شد. دفاع مقدس یک مدرسه انسان‌سازی بزرگ بود؛ هرکسی در این ۸ سال، ارتباطی با دفاع مقدس داشت، شخصیت لطیفی پیدا می‌کرد. حاج نادر طالب‌زاده که خود به عنوان یک هنرمند دارای چنین روحیه‌ای بود، هنگامی که در آن شرایط نبرد بین مرگ و زندگی قرار می‌گیرد، واکنش‌هایی از خود نشان می‌دهد که در آثار هنری‌اش مشهود است.

مرحوم طالب زاده دفاع مقدس را با تمام وجود درک کرده بود

شخصیت شهید آوینی نیز همین‌گونه بود؛ دیدیم که چگونه در ابتدای انقلاب اسلامی با آن آشنا شد و شخصیت امام خمینی(ره) او را مجذوب خود ساخت. پس از آن در دفاع مقدس حاضر شد و بعدها روایت فتح را ساخت که شخصیت او در این مستند، به بلوغ چندبعدی رسید. حاج نادر پس از اینکه از اتفاقات دفاع مقدس فیلمبرداری کرد، درخواست داشت تا به پرخطرترین قسمت جبهه برود؛ او بولدورچی شده و در همان جا نیز مجروح شد. مرحوم نادر طالب‌زاده می‌خواست با تمام وجود، ابعاد مختلف جنگ را لمس و درک کند که شاهد ثمره آن را در فیلم «والعصر» بودیم. البته اثرات این موضوع که حاج نادر، تقابل مرگ و زندگی را در وجود خودش پذیرفته بود، در آثار دیگر او نیز کاملاً مشخص است. در دیدگاه مرحوم طالب‌زاده، هرگز دفاع مقدس تمام نشده بود و جهان را عرصه‌ای برای نبرد دائم بین حق و باطل



می‌دانست.

در دوران ۸ ساله دفاع مقدس، جنگیدن بسیار آسان‌تر از دوره کنونی بود. دوست، دشمن، خاکریز، مهمات و سایر مسائل مشخص بودند و رزمنده طبق نقشه‌ای از پیش تعیین شده با دشمن رویارویی می‌کرد و سرنوشتش شهادت، اسارت یا مجروحیت و همه چیز آن عیان بود.

جنگ در عرصه فرهنگی بسیار سخت‌تر است؛ در جنگ حقیقی نهایتاً شخص، یک مرتبه کشته می‌شود اما در عرصه جنگ فرهنگی، بارها و بارها حاج نادر طالب‌زاده را ترور کردند و هر دفعه، او قوی‌تر از گذشته از خاکستر برخاست. مرحوم طالب‌زاده، برای ساخت یک مستند تحقیقات و پژوهش‌های جامعی انجام می‌داد؛ برای مثال یک مستندی در دهه ۷۰ درخصوص هندوستان ساختیم و حاج نادر آن زمان، قصد داشت بحث رواج طب و پزشکی سنتی در آن کشور را منعکس کند تا متخصصین کشورمان دلایل این همه‌گیری را بررسی کرده و در صورت مفید بودن از آن در داخل ایران نیز بهره ببرند؛ این تحقیقات گسترده برای مستندهای دیگری که درخصوص کشورهایمانند لبنان یا اسپانیا بودند نیز صورت می‌گرفت.

طالب‌زاده با تمام وجود در عرصه فرهنگ و هنر کار می‌کرد

حاج نادر در هر عرصه‌ای که کار می‌کرد، تمامی ابعاد آن را مورد بحث و بررسی قرار می‌داد و خب طبیعی است که چنین شخصی همیشه مورد حملات بی‌شماری از سوی افراد مخالف قرار بگیرد. این طبیعت عرصه فرهنگ و رسانه است؛ کسی که قصد فعالیت در این عرصه را دارد، بایستی خود را برای این خطرات آماده کند و هر روز ممکن است با یک مشکل مواجه شود زیرا در کشور ما کسی اگر بخواهد در زمینه آرمان‌های انقلاب اسلامی و آرمان‌های الهی فعالیت کند، منافع افراد بسیاری را به خطر می‌اندازد و آنها با او به مخالفت خواهند پرداخت. مرحوم طالب‌زاده یک سرباز، معلم و فرمانده در عرصه فرهنگ بود؛ او گاهی پشت دوربین بود، گاه شروع به نوشتن می‌کرد و در سایر اوقات تیمی را راهبری کرده و نیروی متعهد تربیت می‌نمود. این توانایی را داشت و به خوبی در مدت حیاتش آن را انجام داد.



حضور در جنگ بوسنی

آن زمان در کشور بوسنی و هرزگوین اتفاق بزرگی در حال رقم خوردن بود؛ شاهد کشتار مسلمانان در قلب اروپای متمدن و به قول خودشان دموکراتیک بودیم. امروز وقتی که ماجرای اوکراین را در کنار قضیه بوسنی و هرزگوین قرار می‌دهید، این دروغ بسیار بزرگ اروپا که طی قرن‌های متمادی در جریان بوده را می‌بینیم. در جنگ ۴ ساله بوسنی و هرزگوین، مسلمانان این کشور در محاصره کامل بودند که یک گلوله به دستشان نرسد؛ در طول ۳ ماه جنگ در اوکراین، آمریکا نیمی از دنیا را با خود همراه کرده است تا به کمک اوکراین بیایند. در جنگ بوسنی و هرزگوین، طی ۴۸ ساعت، دوازده هزار مرد مسلمان تنها در یک شهر قتل عام شدند درحالی که کل کشته‌های اوکراین در این ۳ ماه، به پنج هزار نفر هم نمی‌رسد. صحنه سازی‌های فراوانی درخصوص جنگ اوکراین از سوی برخی شبکه‌ها و رسانه‌های مشخص، صورت می‌گیرد اما درباره جنگ بوسنی و هرزگوین اینگونه نبود و شاهد مظلومیت مردم این کشور بودیم. رسانه‌های آن زمان، بسیار محدود اخبار را پوشش می‌دادند؛ ما با تیمی محدود راهی این کشور شدیم تا وقایع را ثبت نماییم. این کار را برای حمله آمریکا به عراق نیز انجام دادیم؛ وقتی در بغداد و در هتلی که ویژه خبرنگاران بود، مستقر شدیم، به جز ما، هیچ تیمی از ایران وجود نداشت و ۶۰ خبرنگار از کشور فرانسه در این هتل حاضر بودند! تا سال‌ها بعد، فیلم مستند «خنجر شقایق»، یکی از معتبرترین اسناد تاریخی بود که درخصوص وقایع جنگ بوسنی و هرزگوین وجود داشت. این‌ها حاصل تجربه سال‌ها فعالیت شهید آوینی، مرحوم نادر طالب‌زاده و بنده در مجموعه روایت فتح بود. در حق مستند «خنجر شقایق»، جفاهای بسیاری شد اما همین سنگ‌اندازی‌ها باعث شد تا این مستند بهتر و بیشتر در سراسر کشور دیده شود. بیش از ۲هزار نمایشگاه عکس در داخل و خارج کشور با همین محوریت در آن زمان برگزار شد. مستند «ساعت ۲۵» که در ارتباط با آمریکا بود و نگاه تخصصی‌تری به جامعه این کشور داشت، خیلی دیده‌نشده اما «خنجر شقایق» به دلیل انعکاس هنرمندانه بحران‌های یک جامعه مسلمان در قلب اروپا، بیشتر دیده‌شد و مورد استقبال قرار گرفت.

**اقدامات
فرهنگی،
رسانه‌ای مرحوم
طالب‌زاده در
دانشکده باغ
فردوس و شبکه
تلویزیونی افق و
همچنین کاری که او
در جشنواره مردمی
فیلم‌عمار انجام
داد، یک انقلاب
در جامعه هنری و
رسانه‌ای جمهوری
اسلامی ایران بود.**



دغدغهی کادرسازی

راه نما ۳۹

یکی از دغدغه‌های مهم مرحوم نادر طالب‌زاده در جشنواره فیلم عمار، تربیت نیروی متعهد و متخصص بود. حاج نادر مانند شهید آوینی، در عرصه هنر فرزند زمانه خودش بود؛ زمانی که مرحوم طالب‌زاده شروع به بحث تربیت نیروی انسانی کرد، دلیلش اعتقاد قلبی او به جهاد اکبر بود. مرحوم طالب‌زاده پیش از اینکه به جشنواره عمار برسد، در دانشکده باغ فردوس نیروهای زیادی تربیت کرده بود. همین موضوع دلیل این همه تغییرات میان ادوار مختلف جشنواره عمار است زیرا در چند دوره نخست، حاج نادر به دنبال تربیت نیروی مستندساز بود. تاکید همیشگی مرحوم طالب‌زاده، کادرسازی بود؛ او از کسانی که در دوره‌های اول جشنواره عمار شرکت کرده بودند، در دوره‌های بعدی به عنوان داور استفاده می‌کرد. ادامه دادن این مسیر وظیفه افرادی است که هم تفکر او هستند و سال‌ها با او کار کردند. کسانی که به اهمیت جهاد اکبر واقف‌اند و به آن اعتقاد قلبی دارند. برای مرحوم نادر طالب‌زاده، این جهاد تا آخرین لحظات عمرش ادامه داشت.

یکی دیگر از دغدغه‌های همیشگی مرحوم طالب‌زاده، این بود که بخش ویژه‌ای برای جهاد تبیین در جشنواره در نظر بگیریم تا به این موضوع به خوبی پرداخته شود؛ با بررسی دو دهه پایانی زندگی حاج نادر و آثاری که او ساخته، متوجه تغییرات بین آنها با کارهای قبلی او خواهید شد. مرحوم طالب‌زاده اگر با کسی می‌خواست مصاحبه کند، پیش از آن، مصاحبه‌ها و حتی کتاب‌های آن فرد را کامل مطالعه می‌کرد و در برنامه «راز»، اشراف کامل او بر موضوع و فرد مصاحبه‌شونده، برگ برنده این برنامه بود.

راه نما ۳۸



دیده نشدن!

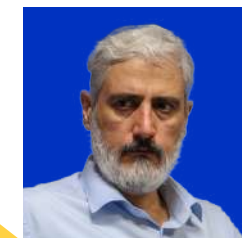
هر جا و در هرکاری اگر انسان خودش را در نظر نگیرد و به فکر دیگری باشد، حق خود را عرضه خواهد کرد؛ دلیل این همه اقبال عمومی نسبت به مستند «روایت فتح» نیز همین بود. هیچکس برای نمایاندن خودش این مستند را نساخته بود. امروز در عرصه هنر همه به فکر دیده شدن خودشان هستند، اما نادر طالب‌زاده در پی معرفی و عرضه کردن خود نبود.

حاج نادر طالب‌زاده،
در اوج جوانی در بهشت
مغرب زمین زندگی می‌کرد و آن
را درک کرده بود؛ به عقیده من او انتهای
آن سبک زندگی غربی را در اوج جوانی دیده بود
و نسبت به آن کافر شده بود. نقل قول‌های زیادی
است که مرحوم طالب‌زاده پس از اینکه امام خمینی(ره) را
دید، متحول شد.

این انسان هنگامی که عازم جبهه شد، می‌خواست در پرخطرترین قسمت
آن، حاضر شود. در واقع جبهه‌های دفاع مقدس، یک دانشگاه حیرت‌انگیز بود. در
دوره آخرالزمان بایستی خوب از بد غربال شوند. در غیر این صورت، خداوند ما را طوری
دیگر امتحان می‌کرد اما قطعاً این اتفاق و دفاع مقدس به نفع ما بوده است. شاید در ظاهر
ما فکرکنیم اگر جنگی اتفاق نمی‌افتاد، دنیایمان گلستان می‌شد.

جبهه نبرد فرهنگی بسیار سخت‌تر از جنگ حقیقی

مرحوم طالب‌زاده‌ای که در دوران دفاع مقدس با جان خود بازی می‌کند، ورودش
به عرصه فرهنگی نمی‌تواند از روی مصلحت طلبی باشد؛ او در این مسیر
دست به قمار بالاتری زد. دفاع مقدس برای امثال حاج نادر نه تنها تمام
نشد بلکه به عرصه فرهنگی منتقل شد؛ این جنگ فرهنگی به
مراتب قوی‌تر و جدی‌تر است. این آزمون از نبرد مرگ
و زندگی که در دفاع مقدس بود، بسیار سخت‌تر
است. هنوز کسی شهادت در جبهه فرهنگی
را نیاموخته است. در عرصه فرهنگی
پس از مرگ مشخص می‌شود
که شخصی شهید شده
است یا خیر.



نعمت‌الله سعیدی
نویسنده و منتقد سینما

بهشت مغرب زمین!



مشکلات مدیریت فرهنگی کشور با تغییر و جابجایی چند مدیر حل نمی‌شود

مدیریت فرهنگی کشور دچار مشکل است؛ البته این ضعف‌ها با تغییر چند مدیر حل نمی‌شود زیرا برای این کار نیرو تربیت نکرده‌ایم. مشکل اصلی ما برخی دوقطبی سازی‌هاست که می‌گوید یک فرد نمی‌تواند هم هنرمند باشد و هم حزب‌اللهی!

مرحوم نادر طالب‌زاده ژانر دیگری از این دوقطبی سازی‌ها معرفی کرد؛ او می‌گفت کارگردانی که مومن نباشد، اصلاً هنرمند نیست؛ زیرا اگر ایمان نباشد، دیگران نیز حرف او را باور نخواهند کرد. ساخته‌های او نشان می‌داد که حاج نادر به آنها باور قلبی و یقین دارد.

ثروت و دارایی هر آدمی در عرصه نظری، تعداد سوال‌هایی است که دارد نه پاسخ‌هایی که داده است؛ مهم‌ترین داشته‌های برنامه «راز» که از تولیدات مرحوم نادر طالب‌زاده بود، همین سوال‌ها بود که حاج نادر به خوبی از آنها استفاده می‌کرد.

مرحوم طالب‌زاده از جهاد اصغر به جهاد اکبر رسید؛ او ابتدا به خوبی دوران دفاع مقدس را درک کرده بود و آن جنگ را باور داشت که بعدها توانست چنین آثار ارزشمندی بسازد.

صهیونیست‌ها به خون حاج نادر تشنه بودند؛ یکی از جدی‌ترین پرچمداران کار رسانه‌ای در

مقابل صهیونیسم، مرحوم نادر طالب‌زاده بود. در عرصه فرهنگ و هنر او باعث خون دل خوردن

صهیونیست‌ها می‌شد. ترور این چنین افرادی، پس از فوت‌شان صورت می‌گیرد. او از بین ما رفت و رفتن

چنین افرادی عزاداری ندارد، زیرا اول شادی و سعادت‌مندی‌شان است و امیدواریم او برای ما دعا کند.

مستند «ریشه در آب»

جنگ اقتصادی

خلاصه مستند:

یاسر برخورداری و پدرش از اهالی روستای بیشه دراز بوده و سال‌ها مشغول به کشاورزی‌اند. آن‌ها برای رسیدن آب به زمین‌های بالادست تلاش‌های زیادی می‌کنند. چرا که بدون آب، گندم و سایر محصولات کشاورزی نمی‌توانند رشد کنند. همچنین آن‌ها اقدام به ساخت یک دستگاه کودپاش از ادوار ماشین‌آلات کشاورزی می‌کنند؛ که از نمونه‌های صنعتی آن بهتر و کارآمدتر است. جلوگیری از رسیدن سیلاب ویرانگر به زمین‌ها، ساخت سد بزرگ برای آبرسانی به زمین‌های خشک، کمک به مسافران نوروزی و باز کردن جاده‌ها و... از جمله فعالیت‌های خیرخواهانه یاسر و پدرش است.



به عقیده بنده مدلی که این مستند به آن پرداخته بسیار جالب بود؛ یعنی اینکه دوربین در اختیار پسر همان کشاورز قرار گرفته و او از فعالیت تقریباً یکساله خود، فیلمبرداری نماید، باعث نزدیکی مخاطب به سوژه بود شده و مستند را واقعی‌تر کرده است. موضوعی که مستند ریشه در آب به آن پرداخته، مربوط به قشر عمده‌ای از مردم کشورماست که همیشه در سینما و تلویزیون مغفول بوده‌اند. شما اگر هزار فیلم مختلف را بررسی کنید، ۸۰ درصد آن مربوط به مناطق برخوردار تهران است و کمتر شاهد آثاری مرتبط با مناطق روستایی و صعب‌العبور که حتی فیلمبردار هم به سختی می‌تواند به آنجا برود، هستیم. این کار و پرداختن به این موضوع بسیار ارزشمند و جذاب است.

نپرداختن به روستاییان در تولیدات رسانه‌ای، سبب هویت‌زدایی خواهد شد

رسانه و جشنواره‌های ما در بسیاری از موارد تحت تاثیر هستند؛ وقتی به رسانه یا جشنواره‌ای لقب ملی داده می‌شود، باید همه مردم در آن سهم برابر داشته باشند؛ در کشور ما بین ۳۰ تا ۴۰ درصد جمعیت را افراد روستایی تشکیل می‌دهند اما در سینما و تلویزیون و جشنواره هرگز چنین سهمی از آثار تولیدی نداشته‌اند و به زندگی این افراد به چشم افراد فرعی جامعه نگاه می‌شود؛ درحالی که زندگی روستایی‌ها سرشار از داستان‌های متنوع و همراه با فراز و نشیب و جذابیت است. برای مثال اختراعی که سوژه مستند ریشه در آب انجام می‌دهد می‌تواند بسیار ارزشمندتر از اختراع یک شخص در دانشگاه با آن همه امکانات مختلف باشد. با حذف داستان زندگی افرادی مانند روستاییان، ما هویت خود را از بین می‌بریم؛ و شخصی که در روستا زندگی می‌کند، کم‌کم احساس بی‌هویتی خواهدکرد و اصل را در سبک زندگی دیگری شبیه به زندگی غربی، خواهد دانست.



سید محمدحسین هاشمی گلپایگانی
تهیه‌کننده برنامه تلویزیونی میدون

هویت‌زدایی!



سجاد نظری
کارگردان مستند ریشه در آب

بیوگرافی کارگردان: سجاد نظری، متولد ۱۳۶۲، استان ایلام، دانش آموخته رشته تاریخ

فیلم شناسی: آوانگاه، ریشه در آب

باید به درستی از ابزار رسانه برای تبیین اهمیت مسائل اقتصادی بهره ببریم

اگر ما رسانه را ابزاری برای تبیین اهمیت مسائل اقتصادی از جمله اقتصاد مقاومتی و کسب و کار قرار ندهیم، طبیعتاً مردم نیز اقتصاد را جدی نخواهند گرفت و جوانان ما نیز به سمت اشتغال حرکت نخواهند کرد و اهداف دیگری برای خود تعریف می‌کنند؛ کشاورزی که در این مستند می‌بینیم، می‌تواند یک سلبریتی باشد و معرفی او وظیفه و رسالت رسانه‌های ماست تا او را الگویی برای دیگران قرار دهد. باز هم تاکید می‌کنم اگر در این جنگ اقتصادی، به درستی از ابزار رسانه استفاده نکنیم، محکوم به شکست هستیم. ما باید قبول کنیم که در عصر رسانه زندگی می‌کنیم؛ پس نوع حرکت و فعالیت و ذهنیت ما در جنبه‌های مختلف زندگی تحت تاثیر همین رسانه‌هایی است که زمان زیادی را صرف آن می‌کنیم.



فعالیت‌های اقتصادی یک کشاورز

اینکه فیلم مستند ما لایق شرکت در جشنواره عمار شد و همچنین به عنوان نامزد برترین فیلم شناخته شده، افتخار بزرگی برای ما محسوب می‌شود؛ سوژه اصلی مستند ریشه در آب که فعالیت‌های اقتصادی و اختراعات یک کشاورز در روستای بیشه دراز استان ایلام است که پیش از تولید نخستین کارم، با آنها آشنایی نداشتیم و سال ۹۳ که برای ضبط به روستایی که دارای چند آثار تاریخی و آسیاب آبی است رفتیم و به طور اتفاقی با کارهای فوق‌العاده‌ای که در آن منطقه صورت می‌گرفت آشنا شدیم و ایده ساخت مستند ریشه در آب نیز آنجا در ذهنم شکل گرفت.

برای تولید مستند ۳۰ دقیقه‌ای، بیش از هزار دقیقه فیلمبرداری داشتیم

سال ۹۹ کار اصلی برای ساخت مستند ریشه در آب آغاز شد؛ برای ضبط از تمامی مراحل کاشت، داشت و برداشت کشاورزی بایستی ۸ ماه تمام را همراه با کشاورز سپری می‌کردیم که در واقع امکان این کار وجود نداشت؛ تصمیم گرفتیم اصولی از کار فیلمبرداری را به پسر این کشاورز آموزش دهیم و دوربین در اختیار او بگذاریم تا مراحل مختلف کارشان را برای مستند ریشه در آب ضبط کند؛ در نهایت هزار و ۲۰۰ دقیقه فیلم ضبط شده به دست ما رسید که پس از جمع‌بندی آن را به مستندی ۳۰ دقیقه‌ای تبدیل کردیم.

قهرمانان زیادی با محوریت اقتصادی در روستاهای کشور وجود دارند

هنگامی که فعالیت‌های این کشاورز را دیدیم، با خود گفتم حیف است این کارهای ارزشمند معرفی نشوند و دغدغه اصلی‌ام معرفی فعالیت‌ها و اختراعات او بود. یاسر بر خوداری و پدرش (قهرمان مستند) کشاورز و مخترع دستگاه کودپاشی و همچنین مبدع روشی برای آبرسانی به روستاهایی بالایی و روش‌های برای جلوگیری از سیلاب هستند، تنها مشکل این کشاورز در حال حاضر، نداشتن سرمایه لازم برای راه‌اندازی یک کارگاه تولیدی است. آقای پختیاری دستگاه‌هایی ساخته که نمونه آن‌ها وجود ندارد. جالب است بدانید نزدیک ۵ هزار نفر در استان ایلام از طریق کار گلیم نقش برجسته که کاری ابداعی و بدون مشابه در سایر نقاط کشور است، امرار معاش می‌کنند؛ پس شرایط برای کار وجود دارد و آدم‌های موفق بسیاری وجود دارند که می‌توانند الگویی برای همه ما باشند. این مستند نشان داد برای گندمی که سر سفره ما تبدیل به نان شده، چقدر زحمت کشیده شده است و بایستی قدردان زحمات کشاورزان عزیز باشیم.

مستند «احقاق»

تاریخ سیاسی

خلاصه مستند:

پس از شهادت حاج قاسم سلیمانی به دست آمریکا، مردم و مسئولین خواستار گرفتن انتقامی سخت می‌شوند. ایران به دادگاه بین‌المللی لاهه که پیش از این نیز چندین مرتبه در آن حاضر شده بوده، شکایت کرده و شورای حقوق بشر سازمان ملل نیز اقدام آمریکا را تروریستی و نقض حقوق بشر اعلام می‌کند اما باز هم اثری برای مجازات عاملان این ترور ندارد. آمریکا، با یک جانبه‌گرایی، مانع اجرای قوانین و محاکمات بین‌المللی علیه خودش می‌شود. اما مردم و مسئولان ایرانی همچنان به دنبال یک انتقام سخت خواهند بود.



بررسی روند پیگیری حقوقی و کیفری ترور شهید
حاج قاسم سلیمانی

کاری از صدرالدین اسدی

تهیه کننده: حجت السلام و المسلمین جواد نیری ثابت

گرافیک: مسعود کلانی طهرانی / موشن گرافیک: مهدی فرید نیا

پژوهش: محسن فاضلی / صدرالدین اسدی / پژوهش تصویر: مجید یاری

کنترل فنی: حجت نصاری / ترجمه: معصومه بدوی

تهیه شده در مرکز هنری، رسانه ای آفرینش (مهرا)

نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری دانشگاه شیراز

نکته‌ای که در این مستند بسیار مهم است، طرح مسئله و تاکید بر موضوعی با اهمیت می‌باشد. مستندهای که محتوای آن‌ها جدید است و پیش از آن‌ها کسی سراغ چنین مسئله‌ای نرفته، بسیار جذاب اند و البته سوژه‌ی محوری مستند یعنی حاج قاسم سلیمانی نیز به جذابیت کار افزوده است.

ساخت مستندهایی با موضوع تاریخ سیاسی کشور از اهمیت بالایی برخوردار است و بایستی به صورت‌ها و گونه‌های مختلف بصری به آن پرداخته شود؛ اگر ما چنین کاری انجام ندهیم، تاریخ معطل نمی‌ماند و کسانی به نفع خودشان موضوع را مصادره می‌کنند. همانطور که افرادی تاریخ انقلاب اسلامی را به گونه‌ای تحریف‌گونه، روایت کردند. امام خمینی(ره) و مقام معظم رهبری(مدظله العالی) بارها بر ساخت مستندهایی درخصوص تاریخ سیاسی کشور تاکید داشته‌اند؛ متأسفانه تا اواسط دهه ۸۰ دچار غفلت تاریخی به‌ویژه در حوزه مستندسازی تاریخ انقلاب اسلامی و تاریخ پهلوی شدیم. اما پس از آن در این زمینه اتفاقات بهتری افتاد و جریان‌ات و افرادی شروع به بررسی تاریخ معاصر و سیاسی کرده و مستندهای متعددی ساخته شد. خوشبختانه در چند سال اخیر با یک تنوع بسیار جذابی از مستندهای تاریخ معاصر مواجهیم که این کارگردان‌های مستعد به مرور کشف شدند؛ در حال حاضر باعث خرسندی است که در جشنواره عمار شاهد این تعداد مستند درجه یک هستیم. مستند احقاق به سوژه بسیار خوبی پرداخته است. و این موضوع باعث امیدآوری ما به آینده مستندسازی تاریخ سیاسی و معاصر می‌شود.



محمد مهدی خالقی

نویسنده، کارگردان و داور جشنواره مردمی فیلم عمار

تاکید امامین انقلاب اسلامی



**در مسیر مستندسازی
تاریخ سیاسی کشور،
چالش‌های بسیاری وجود
دارد و فقط انگیزه‌های دینی
و انقلابی است که موتور
محرك مستندسازان جوان ما
می‌شود.**

مایه کار مستندسازی، پژوهش است

مستند به معنای پژوهش است و تا پژوهشی صورت نگیرد مستندی به وجود نخواهد آمد؛ درخصوص مستندهای تاریخ سیاسی، اهمیت پژوهش دوچندان است. البته پژوهشی که برای مستند صورت می‌گیرد بسیار متفاوت با سایر حوزه‌ها می‌باشد. در مستند احقاق، شاهد این بودیم که تلاش زیادی در زمینه پژوهش انجام شده بود. تنوع بصری مستند احقاق نیز نشان دهنده زمانی است که صرف پژوهش شده بود. برای مستندهایی که درخصوص تاریخ سیاسی معاصر کشور است، بیشترین منابع در فضای مجازی وجود دارد اما نباید از پژوهش در آثار مکتوب، مجلات و روزنامه‌ها غافل شویم. زمانی یک مستندساز می‌تواند درخصوص موضوعی اثر تولید کند که درباره آن به اجتهاد رسیده باشد؛ یعنی توانایی تحلیل و نگاه خودش را از دل پژوهش‌ها جاری کند. اگر شخص مستندساز، کار پژوهش را به فرد دیگری واگذار کند، چالش بزرگی برای خود به وجود می‌آورد.

پیشرفت کشور در سینمای مستند به ویژه در حوزه انقلاب اسلامی را مدیون خون شهدا هستیم

درکل شرایط رو به رشدی بر فضای مستندسازی در حوزه انقلاب اسلامی حاکم است اما برای رشد و تعالی بیشتر همگی باید تلاش کنیم. البته باید جایگاه واقعی‌مان در ابعاد مختلف مستندسازی در بین کشورهای جهان مشخص شود؛ ما جزو کشورهای پیشروی سینمای مستند جهان هستیم و خوشبختانه بچه‌های انقلابی ما پیشران این موضوع هستند؛ این مهم را مدیون خون شهدا به ویژه شهید آوینی هستیم. همچنین یاد و خاطر مرحوم نادر طالبزاده را گرامی می‌داریم.

عدم ارائه گزارش از پیگیری حقوقی ترور شهید سلیمانی به مردم

یکی از دغدغه‌های ما این بود که یک مسئله سنگین حقوقی را به صورت ساده برای مردم بیان کنیم زیرا هیچ مطالبه جدی برای پیگیری برخورد حقوقی با عاملان و آمران ترور سردار شهید حاج قاسم سلیمانی وجود نداشت. متأسفانه تاکنون هیچ‌کاری درخصوص پیگیری حقوقی و کیفری پرونده ترور سردار شهید حاج قاسم سلیمانی از سوی مسئولان صورت نگرفته یا اگر هم کاری شده است، گزارشی به مردم ارائه نداده‌اند؛ در این ۲ سال، حوالی سالگرد شهادت سردار سلیمانی، تنها صحبت‌های کلی بیان می‌شود که در حال پیگیری هستیم اما در عمل اتفاق خاصی نمی‌افتد. نیت اصلی ما از ساخت احقاق، این بود که ابعاد حقوقی این پرونده به مردم آگاهی داده شده و تبدیل به یک مطالبه شود. پیگیری حقوقی و کیفری اصلی ترور سردار سلیمانی بایستی از طریق دولت عراق صورت بگیرد، زیرا حاج قاسم به دعوت آن دولت سفر کرده بود و آنگونه به شهادت رسید؛ کشور ما باید به دولت عراق فشار بیاورد تا این کار را انجام دهند.

قضاوت دشوار تاریخ

اگر پرونده ترور سردار سلیمانی از طریق مجامع حقوقی بین‌الملل پیگیری نشود، کار تاریخ برای قضاوت آن، دشوار خواهد شد. بحث ما این بود که دولت آمریکا و ترامپ برای کاری که صد در صد به صورت تروریستی انجام شده‌است، برای قضاوت تاریخ در یک دادگاه عادلانه محکوم شود؛ گزارش شورای حقوق بشر نیز این ترور و شهادت سردار سلیمانی را عملی تروریستی بیان می‌کند و آن را ناقض قوانین بین‌المللی می‌داند اما رسانه‌های ما هیچ مانوری روی این موضوع نمی‌دهند. اگر چنین اتفاقی نیفتد، چند سال بعد هالیوود فیلمی با این موضوع خواهد ساخت و داستان را به نفع خودش روایت خواهد کرد.

صدرالدین اسدی
کارگردان مستند احقاق



بیوگرافی کارگردان: صدرالدین اسدی، متولد ۱۳۷۳، شهر شیراز، استان فارس، دانش‌آموخته رشته مهندسی مکانیک بیوسیستم

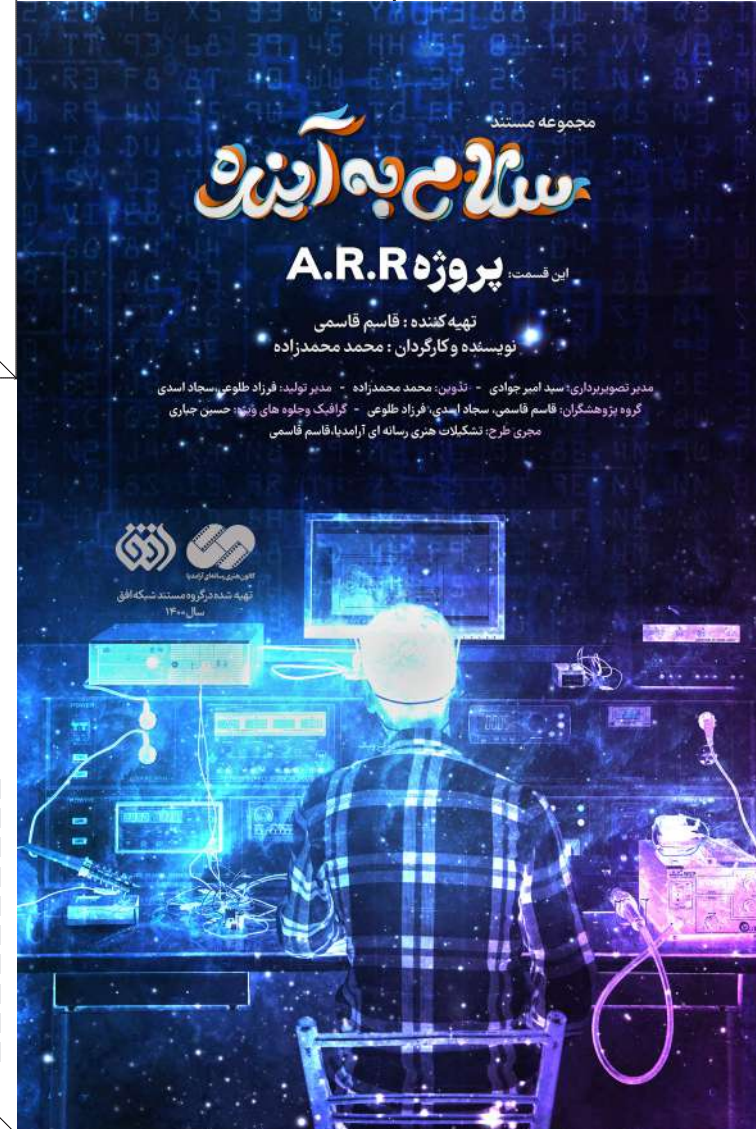
فیلم شناسی: احقاق

مستند «پروژه A.R.R.»

رویای ایرانی و پیشرفت

خلاصه مستند:

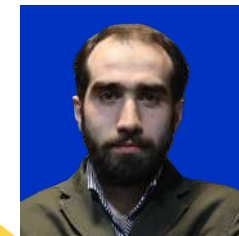
علیرضا رضانی، نوجوان با استعدادی است که از کودکی به رباتیک و الکترونیک علاقه‌مند می‌شود و با همراهی مادرش در جشنواره‌های مختلف حضور پیدا می‌کند. او برای تعمیر دستگاه‌های شوکر، با نیروی انتظامی همکاری می‌کند و بعد از مدتی خودش شوکری می‌سازد که کیفیت و کاربرد بالاتری از نمونه وارداتی آن دارد. علیرضا بارها شکست می‌خورد و با طلاق والدینش به منزل پدربزرگ خود می‌رود اما دست از تلاش بر نمی‌دارد. او موفق به ساخت دستگاه‌های مختلفی از جمله بشقاب پرنده کوچک، اسلحه کم صدا و... می‌شود.



متأسفانه ما در روایت پیشرفت‌ها و دستاوردها، به‌ویژه در حوزه‌های علمی و فناورانه در تاریخ انقلاب اسلامی، دچار تاریخ‌شویی و هویت‌زدایی شده‌ایم؛ با بررسی و مشاهده تاریخ انقلاب اسلامی، به روایت‌های عموماً سیاسی می‌رسیم که راوی این وقایع تاریخی نیز افراد مسئول، صاحب منصب و صاحب قدرت در جریان حاکمیت بوده‌اند. امام خمینی، (ره) همیشه بر این موضوع تأکید داشتند که برای ثبت وقایع تاریخی نزد توده‌های مردم بروید تا تاریخ انقلاب شکوهمند اسلامی، مردمی باشد؛ پس از دهه ۶۰ که روایت خوبی از انقلاب اسلامی و اتفاقات ۸ سال دفاع مقدس داشته‌ایم، سایر روایت‌های ما سیاسی بوده‌است. در حالی که طی این مدت در ۳۰ سال اخیر، پیشرفت‌های چشم‌گیری در حوزه علم و فناوری داشته‌ایم که متأسفانه هیچ‌گاه روایت نشده است.

عدم روایت پیشرفت‌ها باعث نابودی‌شان می‌شود

عدم روایت، به معنای نگفتن نیست؛ در اکثر مواقع نه تنها پیشرفت‌ها و دستاوردها روایت نشده بلکه نابود شده است. وقتی از افرادی که همانند قهرمان مستند پروژه A.R.R که در مدارس و دانشگاه‌های کشورما هستند، صحبت نمی‌کنیم باعث نابود شدن آنها می‌شویم. صحبت‌های ما همیشه درخصوص غرب‌زدگی و موضوعات مشابه آن است و ما غافلیم از اینکه سکولاریسم تنها در بخش سیاسی باقی نمی‌ماند و به سطوح پایین جامعه نیز راه پیدا می‌کند. برای مثال هنگامی که درخصوص متولدین دهه‌هشتاد صحبت می‌کنیم، ذهن ما سمت افرادی ناامید و مسئولیت‌ناپذیر می‌رود، در حالی که بسیاری از این بچه‌ها، مانند قهرمان مستند پروژه A.R.R، در کنار تمام مسائل و مشکلاتی که دارند، دست به کارهای بزرگی می‌زنند. یکی از نقاط قوت این مستند نیز بدون روتوش بودن آن است. در مستند پروژه A.R.R، تمام چالش‌های زندگی و مشکلات علیرضا(قهرمان مستند) نمایش داده می‌شود و می‌بینیم که او علی‌رغم تمام این‌ها، ناامید و خسته نیست و بسیار محکم، امیدوارانه و با انگیزه به



می‌لاد حبیبی

نویسنده و پژوهشگر حوزه پیشرفت

روایت‌های سیاست‌زده!

زندگی اش
ادامه می‌دهد.
سبک زندگی نوجوان
دهه هشتادی را ما در این
مستند به وضوح می‌بینیم و مستند
آن چیزی را به مخاطب ارائه می‌کند که
وجود دارد؛ امیدواریم این جنس مستندها تکثیر
شوند.

پیشرفت تکنولوژی در غرب، نابودگر انسانیت است

پیشرفت‌ها و دستاوردهایی که در سطوح مختلف کشور اعم از دانش‌آموزی، دانشجویی، شرکت‌های دانش‌بنیان و یا فناوری‌های مختلف مانند هسته‌ای و... اتفاق می‌افتد، نیاز به یک پیوست فرهنگی دارد تا مردم و جامعه ما حساسیت این پیشرفت‌ها را درک کرده و از این دستاوردها حمایت کنند. غربی‌ها در این موضوع موفق عمل کرده‌اند؛ اگر به فضای کتاب فروشی‌ها سر بزنید، کتاب زندگینامه افرادی مانند استیو جابز و سایر دانشمندان و کارآفرینان غربی را می‌بینید که افراد جامعه‌ما به وفور از این پیوست‌های فرهنگی استفاده می‌کنند. الهیات و ایدئولوژی‌هایی که در پیشرفت‌های ما و غربی‌ها به آن معتقدیم کاملاً با یکدیگر در تضاد است؛ آن چیزی که غربی‌ها در آثار خودشان بازنمایی می‌کنند، یک روحیه انحصار طلبی، انباشت سرمایه برای خود و القای حس ناامیدی به سایر مردم دنیا است. یعنی شما باید مصرف کننده باشید و ما صاحب این تکنولوژی هستیم. استیو جابز در کتاب خود اشاره می‌کند که «انسان برای رسیدن به موفقیت می‌تواند به هرکسی خیانت کند! زیرا رسیدن به هدف در اولویت است.» این فرهنگ است که باعث نابودی می‌شود و ما شاهد این هستیم که پیشرفت تکنولوژی‌های مختلف در خدمت بشر نبوده بلکه در خدمت نابودی انسانیت بوده‌است. ما در آثار مستندمان باید این بر این موضوع تاکید کنیم که پیشرفت‌های مان برخلاف غرب، در راستای خدمت به بشریت است. درکشورمان، اشخاصی داریم که مدیریت شرکت‌های دانش‌بنیان را عهده‌دار هستند و هیچ‌گونه چشم‌داشت مالی یا انحصاری نداشته و تنها هدف‌شان بهبود کیفیت زندگی مردم است. بایستی در جنگ تمدنی که میان ما و غرب است، از این ظرفیت‌ها استفاده کرده و آنها را روایتگری نماییم تا تمام این دنیای پوشالی و از درون خالی که توسط غرب ساخته شده را از بین ببریم.

پرورش یافتگان مکتب انقلاب اسلامی، به دنبال مقابله با انحصارطلبی هستند

نکته‌ای بسیار مهم و وجه تمایز پیشرفت‌های ما، توجه به مسائل معنوی، متافیزیک و غیردنیایی بوده است. برای این موضوع، مثال‌های فراوانی وجود دارد که پیشرفت‌ها و دستاوردهای ما با انگیزه‌های معنوی صورت گرفته است؛ مسئله‌ای که در فرهنگ غربی هیچ جایگاهی ندارد. شرکتی مانند اپل، انحصارطلب‌ترین شرکت در حوزه تکنولوژی است و انقلاب اسلامی و انسان‌هایی که در این مکتب پرورش یافته‌اند، به دنبال مقابله با انحصارطلبی هستند. از علیرضای مستند پروژه A.R.R، که با تمام مشکلات ریز و درشتش به دنبال انجام کارهای فنی و پیچیده برای یک دانش آموز با دست خالی است، تا پیشرفت‌های دیگری که در سطوح بالاتری مانند صنعت هسته‌ای و هوافضا و... به دست آورده‌ایم، باعث قدرت ما شده است تا دنیا متوجه ما شود.

امروز بیش از همیشه نیازمند تزریق امید، آرمان و هدف به جامعه هستیم

خطاب به مستندسازان جوانی که علاقمند به تولید آثار در حوزه پیشرفت هستند، می‌گوییم که جامعه‌ما در حال حاضر نیازمند امید، آرمان و هدف است؛ تزریق امید، آرمان و هدف به جامعه بایستی توسط اهالی فرهنگ و هنر صورت پذیرد تا نسلی که باید بار سنگینی را بردوش بگیرد، نیرویی تازه بگیرد. به نظر من تنگه احد جمهوری اسلامی ایران در حال حاضر، عرصه پیشرفت است و مستندسازان ما باید در این زمینه حضوری جدی داشته‌باشند.

به دنبال گسترش مفاهیم اسلامی در قالبی جدید هستیم

به عنوان یک طلبه، تخصص فیلم سازی را به این دلیل آموختم که قالب جدیدی از کار روحانیت را ارائه دهیم؛ هدف بعدی ما که گروهی از طلبه های فیلم ساز هستیم، پرداختن به مفاهیم بلند اسلامی در این چارچوب است تا برای مردم قابل درک باشد. طبق بیانات مقام معظم رهبری، (مد ظله العالی) سینما یک هنر متعالی است؛ به عقیده ما نیز سینما، زبان و منبری جهانی است که مخاطبین بیشتری نسبت به منبرهای سنتی یا کتاب و مقاله دارد و لازم است تا از این فرصت ارزشمند استفاده کنیم.

تلقی برای یادآوری توانایی ها

مستند پروژه A.R.R، یک قسمت از مجموعه سلام به آینده است؛ ما در آن به دنبال تبیین تربیت مهارت محور بودیم. هدف ما این بود که نوجوانانی در سنین ۱۲ تا ۱۵ سال، با ویژگی و توانایی های خاص پیدا کنیم؛ در نهایت به لیستی حدوداً ۳۰۰ نفره از سراسر کشور رسیدیم و هدف ما معرفی این افراد به جامعه بود. ما می خواستیم به مردم تلقی وارد کنیم که بدانند چه توانایی هایی برای انجام کارهای بزرگ و مهم دارند. مجموعه ۱۳ قسمتی سلام به آینده به لطف خدا مورد استقبال مردم قرار گرفت.

محمد محمدزاده
کارگردان مستند پروژه A.R.R

بیوگرافی کارگردان: محمد محمدزاده، متولد ۱۳۷۶،
شهر مشهد مقدس، استان خراسان رضوی، دانش آموخته
حوزه علمیه

فیلم شناسی: پروژه A.R.R، مقصد، پرواز است و...





جامعه ما نیازمند معرفی افرادی است که با تلاش و خودباوری به موفقیت رسیده‌اند

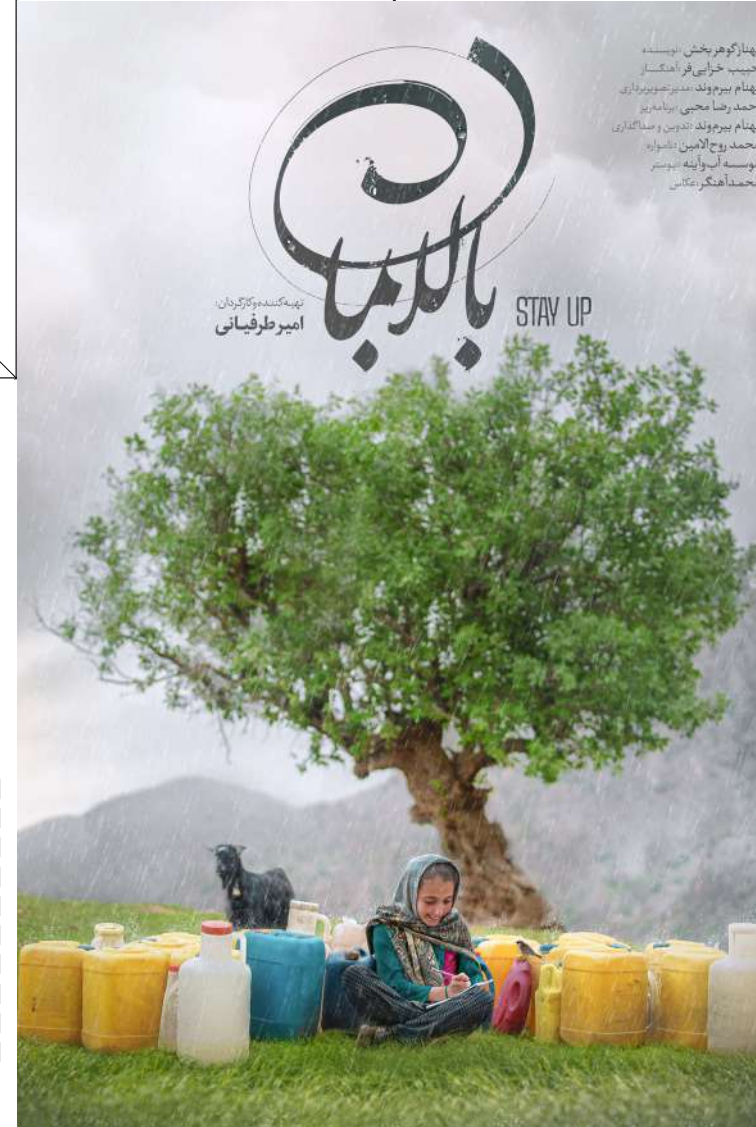
پیش از تولید مستند پروژه A.R.R، ذهنیتی در خصوص آن نداشتیم و هنگامی که آغاز به پژوهش کردیم، با سوژه‌های مختلفی روبرو شدیم و جرقه پرداختن به موضوع نوجوانان در ذهن ما خورد؛ برای یافتن سوژه با مدارس و هنرستان‌ها تماس گرفتیم و با خیل کثیری از نوجوانان این‌چنینی روبرو شدیم. سعی کردیم در مستند پروژه A.R.R، خانواده و زندگی شخصی قهرمان قصه را نیز روایت کنیم؛ زیرا معرفی چنین افرادی، یکی از نیازهای جامعه است و ما سعی کردیم داستان قهرمان این مستند را نمایش دهیم. وقتی نوجوانانی در سراسر کشور با اولیه‌ترین امکانات دست به کارهای بزرگی می‌زنند بسیار ارزشمند است؛ هنگامی در مستند پروژه A.R.R، اسلحه‌ای که علیرضا ساخته را برای شلیک تست کردیم، بسیار لحظه هیجان‌انگیزی بود. مطمئناً اگر از این بچه‌ها توسط ارگانها و نهادها حمایت شود، می‌توانند کارهای ارزشمندی برای کشورمان انجام دهند.

مستند «بالا بمان»

جنگ نرم

خلاصه مستند:

روایت تلاش یک گروه جهادی برای آبرسانی به روستای سرتنگ فافر در بخش سوسن شهرستان ایذه که در استان خوزستان قرار دارد. اهالی این روستا برای تامین آب شرب خود مجبورند مسیر سخت گذر ۷ ساعته تا چشمه آب را طی کنند که علاوه بر مخاطرات زیاد، این وضعیت باعث مهاجرت بسیاری از اهالی روستا شده است. اما بچه‌های گروه جهادی، آرزوی مردم روستا را محقق می‌کنند و آب را به منازل آنها می‌رسانند.



مردم‌نگاری و پرداختن به مسائل اجتماعی، پاشنه آشیل حوزه روایت در فرهنگ و رسانه است؛ پرداختن به روستاها، مناطق محروم و گروه‌های جهادی، از مهم‌ترین کارهایی است که باید در ساخت این‌گونه مستندها مورد توجه قرارگیرد. مستند بالابمان از کارهای منحصر به فرد این ژانر بود؛ برای ساخت آن تلاش زیادی شده بود و از نظر پرداختن به نحوه فعالیت این گروه جهادی، در زمره کارهای ممتاز بود. نسبت به ادبیات و فضایی که درخصوص گروه‌های جهادی شکل گرفته، انتقاد دارم و ترویج اردوهای جهادی به شکل کنونی را کارآمد نمی‌دانم؛ اما نسبت به فعالیت‌ها و جریان‌های دیگر، اردوهای جهادی حتی با فرمت حال حاضرشان، جلوتر و بهتر هستند.

تربیت انسان انقلابی، مهم‌ترین محصول اردوهای جهادی است

مهمترین اتفاقی در اردوهای جهادی رخ می‌دهد، بحث‌های عمرانی نیست؛ بلکه تربیت انسان‌های انقلابی است. فردی که صبر و تلاش را در مسیری مجاهدت‌گونه است. تولید، بازتولید و تربیت انسان انقلابی، مهم‌ترین محصول اردوهای جهادی است؛ اهمیت کنش‌گر پیشرفت به مراتب بالاتر از خود آن است. اردوهای جهادی برای ساخت زیست‌بوم جهان پیشرفته و جدید جمهوری اسلامی، یک مسئله مهم و اساسی است.

تفاوت جهاد سازندگی با اردوهای جهادی

اردوهای جهادی هیچ‌گاه قصد نداشتند جایگزین جهاد سازندگی شوند، زیرا این دو مقوله دارای ماهیت‌های متفاوتی از یکدیگر هستند. هر دو به مناطق محروم می‌پردازند اما جهاد سازندگی، حرکت عظیم‌تر، با مبانی و اهداف دیگری بوده‌است. تنها نقاط اشتراک این‌ها، موقعیت مکانی فعالیت‌شان است. البته هر دو حرکت منشا خدمات بسیاری برای کشورمان بوده‌اند.



مسعود ملکی مشهور

مدیر مدرسه سینمایی اندیشه و هنر «ماه»

مردم‌نگاری، پاشنه آشیل حوزه روایت در رسانه

به عقیده من این مستند قصد برگرداندن عزت به روستا را داشته که این موضوع فراتر از بحث اردوهای جهادی است.

توسعه صنعت کشور، بدون توجه به روستاها امکان پذیر نمی‌باشد

مسئله‌ای که در دنیا وجود دارد، توجه به روستا است؛ ما همیشه دچار این نیرنگ شده‌ایم و توسعه صنعتی را مبتنی بر توسعه کشاورزی نمی‌دانیم. در حالی که توسعه صنعت کشور بدون توجه به روستا و صنعت کشاورزی، امکان‌پذیر نیست. در کشور ما متأسفانه نسبت به اینگونه مسائل تحلیل به‌روزی وجود ندارد و درخصوص روستا تنها به مسئله محرومیت زدایی اکتفا می‌کنیم در حالی که این باید کف مطالبات ما باشد.

استفاده از فضای فرهنگی و هنری باعث تثبیت و تقویت جریان‌های جهادی

یکی از انتقادات همیشگی به فعالان جهادی و انقلابی، دور بودنشان از فرهنگ و هنر است؛ زیرا بیشتر تمرکزشان را بر روی کنش‌گری سیاسی گذاشته‌اند و تبعات این دوری را در حوزه‌های دیگر خواهیم داد. البته این وضعیت نسبت به ۱۰ سال گذشته بسیار بهتر شده است. مصرف و تولید در فضای هنر، بین فعالان انقلابی بسیار رونق داشته است؛ استفاده صحیح از فضای فرهنگی و هنری برای تثبیت جریان‌های مردمی ضروری بوده و امروز این مسئله جزو بدیهیات است؛ فضای فرهنگی و هنری می‌تواند جریان‌های جهادی در میدان را تقویت و تثبیت نماید. لایه‌های فیلمسازی هنر، اندیشه و رسانه است؛ از نظر هنری و رسانه‌ای پیشرفت‌های خوبی در حوزه فیلمسازی انقلاب اسلامی داشته‌ایم اما ضعف‌هایی در بحث اندیشه وجود دارد. زاویه اندیشه، کار را متفاوت می‌کند و اگر فیلمسازان ما تحلیلی فلسفی بتوانند از پدیده‌ها ارائه دهند، کار هنری بهتری خواهند ساخت.

مستند بالابمان، عزت را به روستا برگرداند

با تماشای مستند «بالابمان»، متوجه نمی‌شوید که قصد سازندگانش پرداختن به موضوع عروج هادی باشد و در ضمن کار به این داستان نیز پرداخته شده است. این مستند در ظاهر به یک روستا پرداخته اما در عمل جمهوری اسلامی ایران را نشان می‌دهد؛ پلان حماسی مستند که بالگردی با لوگوی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی منبع آب را به داخل این روستا می‌آورد، سرشار از نکات و ظرایفی است که تبدیل به شعار نشده است. در سایر صحنه‌های مستند «بالابمان» نیز کلیشه‌زدایی‌های بسیاری صورت گرفته است؛ اینکه مستند کنار دختر خانم نوجوانی از اهالی روستاست و حس و حال او را نشان می‌دهد، کار را از سایر مستندهای مشابهی که درباره اردوهای جهادی ساخته شده، متفاوت کرده است.

بالابمان، مستندی بامحوریت فعالیت اردوهای جهادی در خوزستان

مستند بالابمان، با محوریت فعالیت‌های یک گروه جهادی در شمال استان خوزستان ساخته شده است. اعضای گروه مستندساز، شامل ۳۰ نفر از تمام شهرهای کشور بوده که به مدت یک سال و نیم در استان خوزستان بودند. این افراد در ارتفاعات بالای دو هزار متر، اقدام به حمل و نصب لوله‌های عظیم کرده تا روستاهای بالاتر دارای آب باشند؛ پیش از این اقدام نوجوانان روستا بایستی مسیری طولانی را برای حمل آب طی می‌کردند.

حلقه مفقوده

تیم سازنده، هر روز برای ضبط مستند «بالابمان»، مسیری ۸ ساعته از اهواز را طی می‌کردند و برای ساخت این اثر، سختی‌هایی را به جان خریدیم. تیم ما متشکل از بچه‌های مستعد خوزستانی بود که به واقع کاربلد بودند؛ دغدغه ما تبیین کارهایی بود که توسط گروه‌های جهادی انجام می‌شود. کار رسانه‌ای و تبیین فعالیت‌ها، حلقه مفقوده این گروه‌ها بوده است. ترویج و بیان کارهایی که توسط گروه‌های جهادی، صورت می‌گیرد باعث ایجاد امید در جامعه خواهد شد.

کار رسانه‌ای، حلقه مفقوده اردوهای جهادی بوده است. یکی از انتقادات من به گروه‌های جهادی، نپرداختن به بحث رسانه است؛ اگر هم برخی گروه‌ها، مستندی تهیه کردند، بیشتر در قالب کلیشه بوده است

امیر طرفیانی

کارگردان مستند بالابمان



بیوگرافی کارگردان: امیر طرفیانی، متولد سال ۱۳۷۱،
شهر اهواز، استان خوزستان، دانش‌آموخته مدیریت
تحول

فیلم شناسی: بالابمان، ستایش تا ستایش و...



درحالیکه
مقام معظم
رهبری (مد ظله العالی)
بارها تاکید داشته‌اند، کاری که در
قالب هنر انجام شود، ماندگارتر خواهد بود.
ما برای ساخت یک پلان ۷ ثانیه‌ای، ۲۳ ساعت داخل
کوه صبر کردیم؛ برای یک دوربین، مجبور به حمل ۱۷ باتری
بودیم و جالب اینجاست که روستایی که در آن مستند می‌ساختیم فاقد
برق بود درحالی که کابل‌های فشار قوی از کنار آن عبور می‌کرد. ما قبول داریم
که ثواب کار خیر در گمنامی بیشتر است اما بازتاب دادن این فعالیت‌ها باعث امیدواری
مردم کشور عزیزمان خواهد شد؛ ما بسیاری از پلان‌ها را طوری فیلمبرداری کردیم که خود گروه
جهادی نیز متوجه آن نشدند.

باوجود تمام مشکلات، صفا و صمیمیت در میان روستاییان موج می‌زند

ما سعی کردیم در کنار سوژه به فضای روستا بیشتر بپردازیم و زیبایی‌های آن را به تصویر بکشیم؛
از نخستین پلان تا آخرین صفا و صمیمیت میان اهالی روستا را نمایش دادیم. همچنین برای
طراحی سناریو بسیار فکر کردیم تا حق مطلب بهتر ادا شود و البته مخاطب نیز پذیرای
آن باشد. مستند را طوری تهیه کردیم که تصاویر با مخاطب ما سخن بگویند؛ برای
روایت کارهایی که توسط این گروه جهادی انجام شده‌است، از دختر بچه ۱۱ ساله از
اهالی همان روستا کمک گرفتیم؛ یافتن همین سوژه ۳ ماه به طول انجامید.
همچنین تلاش کردیم امیدی که در عین سختی و مشقت در چهره و
تفکر اهالی روستا وجود دارد را منعکس کنیم. در تمام لحظات کار،
کمک خدا را در کنار خودمان حس می‌کردیم.

پرداختن به مشکلات مردم، اولویت جشنواره فیلم عمار
 یکی از اولویت‌های جشنواره مردمی فیلم عمار، پرداختن به مسائل و دغدغه‌های مردم بود است و همیشه در تلاش بوده تا از مسائل اصلی غافل نشود. توجه این جشنواره به روستاها و شهرستان‌های کمتر برخوردار که ممکن بود تاکنون دوربین‌های تلویزیون و سینما به آن مناطق نرفته باشد، بیانگر همین مسئله است.

نهضت تولید محتوای مردمی، محلی برای پرداختن به قهرمانان کشور
 تعابیری مختلفی درباره بخش «فیلم ما» شده است؛ در جشنواره مردمی فیلم عمار، عمده اتفاقات، محصول برجسته کردن تجارب واقعی بوده تا اینکه از اول برای آنها قرارداد خاصی تعریف کرده باشیم. این تجارب بکارگیری شده‌است تا برای دیگران تبدیل به قالبی شود و بتوانند از آن استفاده کنند. بخش «فیلم ما»، ناظر به چندین فرصت بوده‌است؛ انبوه رویدادها و قهرمانانی که در نقاط مختلف کشورمان وجود دارند و ماجراهایی که از همه آنها مطالب و اسنادی ثبت نشده و در دسترس مردم نیستند. بسیاری از این موارد شایستگی تولید آثار فاخر دارند اما به این قهرمانان و سوژه‌ها پرداخته نشده است. در هر استان کشورمان، چندین هزار شهید داریم که جز چند مورد، برای هیچ‌کدام فیلم یا اثری ساخته نشده است. تولید آثار هنری مستلزم جزئیات و یافتن ابعاد شخصیتی سوژه‌هاست و ما نمی‌توانیم پس از گذشت چندین سال، تازه به فکر پژوهش برای زندگی شهدا یا قهرمانان بیفتیم. تا زمانی که این رویدادها، قهرمانان و شهدا را برای ساخت اثر، در نوبت قرار دهیم و به ترتیب به آنها بپردازیم، یک جریان مردمی و فراگیر مانند نهضت تولید محتوای مردمی «فیلم ما» می‌تواند در مقیاسی کوچک‌تر به آنها بپردازد و این موضوعات را تبدیل به فیلم کند تا دیده و ثبت شوند. اگر افرادی قصد داشته باشند با محوریت رویدادها و قهرمانان محل زندگی خود، اثری تولید کنند، می‌توانند در قالب نهضت

نشست هفتم
 ۰۶/تیرماه/۱۴۰۱

سیدرسول منفرد

مسئول حوزه هنری استان گیلان و
 دبیر اجرایی اسبق جشنواره مردمی فیلم عمار

فیلم ما، نهضت تولید محتوای مردمی

تولید
محتوای
مردمی «فیلم ما»
این کار را انجام دهند.
چشنواره مردمی فیلم عمار
باعث سازماندهی این آثار شده است.

۸۲ راه نما

«فیلم ما»؛ بستری برای دیده شدن آثار و کشف استعداد فیلمسازان جوان

بخش «فیلم ما» نباید ذیل سینمای حرفه‌ای برود زیرا این آثار به تنهایی دارای موضوعیت هستند. بسیاری از فیلم‌ها و کلیپ‌هایی که مخاطب میلیونی پیدا می‌کنند، لزوما اثری حرفه‌ای نیستند و یک تولید محتوای ساده و مردمی با دوربین تلفن همراه بوده‌اند که سازندگان آن‌ها قصد فیلمسازی نداشته‌اند. بسیاری از کارگردانان، فیلمسازی‌شان را از چنین رویدادهایی آغاز کرده‌اند. نهضت تولید محتوای مردمی «فیلم ما» به نوعی کار کشف استعداد را هم انجام می‌دهد. همه کارگردانان و فیلمسازان علاوه بر دانش و مطالبی که آموخته‌اند، نیاز به بستری برای ارائه و دیده شدن آثارشان دارند که بخش «فیلم ما» به خوبی این کار را انجام داده است. ضمن کشف استعداد و دیده شدن آثار کارگردانان جوان، نباید از ضرورت اصلی بخش تولید محتوای مردمی «فیلم ما» که روایتگری موضوعات توسط مردم است، غافل شویم.

مردم همیشه با داستان‌های واقعی، ارتباط بهتری برقرار کرده‌اند

بسیاری از آثار ماندگار و پرمخاطب سینمای ایران مانند شیار ۱۴۳، ۲۳ نفر روایت‌گر سوژه‌ای واقعی بوده‌اند و مردم، هرگاه داستان زندگی یک نفر از خودشان را دیده‌اند، اقبال بیشتری نسبت به آن نشان داده و ارتباط بهتری با آن آثار برقرار کرده‌اند؛ تجربه سینمای ایران ثابت کرده که این سوژه‌ها نوعی فرصت هستند؛ نحوه استفاده یا عدم توجه‌ما از این فرصت‌ها به خودمان بستگی دارد.

جمع‌سپاری، باعث پای کار آمدن نیروی مخلص مردمی می‌شود

جمع‌سپاری در تولید آثار فرهنگی، یک ایده‌ی بسیار خوب است و امروزه سپردن کار به توده مردم در نقاط مختلف دنیا انجام می‌شود؛ این مسئله در فرهنگ ما نیز وجود دارد و نیاز نیست برای آموختن آن به جهان غرب مراجعه کنیم. نمونه بارز و

تاریخی آن را درخصوص
جنگ خندق شنیده‌ایم که پیامبر
اکرم(ص)، برای انتخاب شیوه مقابله با
کفار، از خرد جمعی استفاده فرمودند و پیشنهاد
سلمان فارسی مبنی بر حفر خندق را با کمک تمامی
مردم، اجرایی کردند. نمونه‌های دیگر این موضوع هم این
است که امامین انقلاب اسلامی، همیشه با توده مردم سخن
گفته‌اند. این کار به نوعی فناوری جمع‌سپاری است و باعث می‌شود
گروه‌های مردمی که معمولا مخلص‌تر هستند، پای کار بیایند.

فراوانی قهرمان و داستان در کشورما، باعث سردرگمی فیلمسازان برای انتخاب سوژه شده است

امثال دهقان فداکار، شهید محمدحسین فهمیده و... هرکدام مربوط به گوشه‌ای از ایران هستند و قهرمانان بسیار زیادی در جای جای میهن ما وجود دارند؛ این موضوع که نقطه قوت کشور ماست، گاهی تبدیل به نقطه ضعف می‌شود. زیرا فیلمسازان ما دچار سردرگمی بین موضوعات و سوژه‌های مختلف می‌شود. این نهضت تولید محتوای مردمی «فیلم ما»، تدبیر و تمهیدی برای پاسخ به نیاز پرداختن به سوژه‌های مردمی است. تا زمانی که اثر یک فیلمساز دیده نشود، او سراغ تولیدات بعدی خود نخواهد رفت؛ بارها این مسئله را از زبان فیلمسازان مختلف شنیده‌ایم که دیده شدن و بازخورد خوب گرفتن آثارشان باعث شده تا کارهای بعدی را بسازند؛ البته عکس این قضیه نیز صادق است. بالاخره ورود فیلمساز به پله‌های بعدی نیازمند موفقیت او در گام‌های قبلی‌اش است.

امروزه دچار ضعف در خودشناسی هستیم

فلسفه «فیلم ما» را شناخت بهتر خود و دنیای پیرامون‌مان است؛ در احادیث ما آمده کسی که خودش را بشناسد، می‌تواند پروردگار خویش را بهتر بشناسد. خودشناسی در مبانی معرفتی ما دارای جایگاه ویژه‌ای است. امروزه اگر خودمان را نشناسیم، دیگران ما را به خودمان می‌شناسانند. همیشه این جریان حق در مقابل باطل وجود داشته و «فیلم ما» تلاشی برای خودشناسی بهتر است. بسیاری از

۸۳ راه نما

سوژه‌هایی
که در این بخش
جشنواره به آن پرداخته
شده‌است، الهام‌بخش
بوده‌است؛ برای مثال نقش اصلی
یکی از مستندها، پیرمردی نابینا بود که با
سخت‌کوشی و بسیار امیدوارانه زندگی می‌کرد.
جنگی بر سر خودشناسی شکل گرفته است که ما باید
بتوانیم روایت و تعریف خودمان را از توانایی‌ها و چالش‌هایمان
پیدا کنیم. چرا در نسل‌های قبل، مشکلات بسیار بیشتر بود اما
امیدواری بیشتری وجود داشت؟ بارها شنیده‌ایم که در گذشته چه مشکلاتی
وجود داشته است اما مردم با صبر و حوصله با آن‌ها مقابله و آن‌ها را حل می‌کردند.
امروزه شاهد ضعف در خودشناسی هستیم و هنگامی که این مشکل وجود داشته باشد،
دیگران ما را به خودمان معرفی خواهند کرد.

باید مراقب باشیم تا «فیلم ما» دچار ایستایی نشود

باید مراقب باشیم تا بخش «فیلم ما» در جشنواره مردمی فیلم عمار، دچار ایستایی نشود و به صورت روزآمد حرکت کند تا نسبت به مسائل و وقایع جامعه و مردم، به‌روز باشد. یک آسیب دیگر هم در راه ادامه فعالیت بخش «فیلم ما» این است که شاید برخی افراد بگویند تمام کسانی که مسئولیت‌های فرهنگی دارند، دارای دغدغه نسبت به امور انقلاب اسلامی هستند و شاید نیازی به وجود چنین بخشی در جشنواره مردمی فیلم عمار نیست؛ این صحبت غلط است زیرا ارزش روایت اینگونه آثار به مردمی بودن آن است و سهم مردم از وضعیت مطلوب را دولت به تنهایی نمی‌تواند ایفا کند و مردم بایستی از قدرت خود استفاده نمایند؛ نمونه این کار را هم در تولید سرود مردمی «سلام فرمانده» شاهد بودیم.



بخش «فیلم ما» یکی از نقاط قوت جشنواره مردمی فیلم عمار است

پس از دریافت بازخوردهای خوبی که از فیلم اول‌مان داشتیم، به ساخت آثار بعدی نیز ترغیب شدیم. کارهایی که ساخته‌ام با محوریت قهرمانان و شخصیت‌های محل زندگی‌ام یعنی استان کرمان بوده است. بخش «فیلم ما»، یکی از نقاط قوت جشنواره مردمی فیلم عمار است که به فیلمسازان جوانی مانند من، فرصت می‌دهد تا کارهایمان بهتر دیده شوند.

هیچ‌گاه نباید در راه رسیدن به اهداف‌مان ناامید شویم

مستندمان را با کمترین امکانات ممکن تولید کردیم و تنها یک دوربین از طریق مدرسه در اختیار ما گذاشتند که همان دوربین نیز کیفیت بالایی نداشت؛ فیلمبرداری این اثر هم با کمک هم‌کلاسی‌ام انجام شد. پیش از ساخت این فیلم سراغ افراد بسیاری رفتیم تا ما را برای تولید این اثر کمک کنند اما اعتنایی به خواسته ما نداشتند؛ پس از اینکه فیلم تولید شد و نتیجه اش نسبتاً خوب بود، افراد بسیاری آمدند و به ما گفتند که چرا برای ساخت این اثر از تجهیزات ما استفاده نکردید یا چرا فیلمبردار و تدوینگر نگرفتید؟ این فیلم مجموعاً با هزینه دویست هزارتومانی جمع و جور شد. مستندی که ساخته بودم، حدود ۲ سال بدون استفاده باقی‌مانده بود. اما راه‌یافتن این اثر که با دوربین یک تلفن همراه معمولی ضبط شده بود به جشنواره مردمی فیلم عمار و پرده سینما، بسیار خوشحال‌کننده و امیدبخش بود؛ عقیده قلبی‌ام این است که خود این شهید به ما کمک کرد. توصیه ام به هم‌سن و سال‌هایم این است که هیچ‌گاه از گام برداشتن در مسیر اهداف و آرزوهایشان ناامید نشوند.

ابوالفضل نصیرزاده
کارگردان مستند «تفنگ عکاس»

بیوگرافی کارگردان: ابوالفضل نصیرزاده، متولد ۱۳۸۳،
شهر سیرجان، استان کرمان

فیلم شناسی: تفنگ عکاس



مستند «گمشاد»

ملت قهرمان

خلاصه مستند:

یدالله مبارکی، جوانی در روستای چاه گمشاد جازموریان است. او با حمایت خانواده اش برای تحصیلات دانشگاهی به شهر می رود و پس از فارغ التحصیلی به زادگاه اصلی اش باز می گردد. از محرومیت های مردم این منطقه می گوید و در صدد ایجاد رونق است. چندین بار شکست می خورد و مسخره می شود اما در نهایت با کمک بومیان و نیروهای جهادی، موفق به ساخت مزرعه کشت چای ترش و اشتغال زایی می شود. او همچنین رابطه خوبی با بچه ها دارد، برایشان کتاب می خواند، با آنها بازی می کند و ورود کتابخانه کپری را برای کودکان و نوجوانان منطقه آماده می کند.



با اینکه همه‌ما در ایران زندگی می‌کنیم، ممکن است تا آخر عمرمان به بسیاری از مناطق کشور نتوانیم سفر کنیم؛ یکی از این مناطق جازموریان می‌باشد که در مستند «گمشاد» به آن پرداخته شده‌است. این منطقه به لحاظ جغرافیایی و فرهنگ سخت‌کوشی که در مستند دیدیم، بسیار جذاب بود. نخستین نکته‌ای که مرا جذب کرد، سبک زندگی، آداب و رسوم و فرهنگ مردم این روستا بود. پرداختن به چنین سوژه‌هایی باعث برقرار شدن ارتباط بین شخصیت اصلی داستان و مخاطبین می‌شود؛ این یکی از نکات مثبت اثر بوده که با خوش‌فکری و نکته‌سنجی کارگردان رقم خورده‌است. ما در کشور قهرمانان زیادی داریم اما همیشه به‌دنبال معرفی الگوهای دست‌نیافتنی و انتزاعی هستیم؛ طبیعتاً ذائقه فرزندان ما نیز به همین سمت و سو پیش رفته است. البته راهکار برای رفع این موضوع، تولید آثاری با مضامین قهرمانان کشورمان است. ما مریبان فرهنگی و اخلاقی کودکان هستیم و به وسیله فیلم و کتاب، باید‌ها و نبایدها را به آن‌ها می‌آموزیم؛ ساخت فیلم‌هایی با موضوع قهرمانان کشورمان، می‌تواند باعث روشن شدن مسیر زندگی بچه‌ها شود.

کشور ما سرشار از قهرمانان و شخصیت‌های الهام‌بخش است

کشور ما و به‌ویژه مناطق جنوبی آن سرشار از قهرمانان، الگوها و افراد موفق است که زندگی آن‌ها می‌تواند برای کودکان و حتی همه مخاطبین الهام‌بخش باشد. مردم این مناطق به‌دلیل جغرافیای خاصی که دارد، مردمانی سخت‌کوش و پرتلاش در دل خود جای داده است.



بهناز ضرابی‌زاده

نویسنده و داور جشنواره مردمی فیلم عمار

سوژه‌های واقعی، ارتباط‌گیری بهتر با مخاطب

امیدوارم افرادی که با شکست‌های متعددی که تجربه کرده‌اند، قهرمانانه زندگی می‌کنند، از تمام نقاط کشور کشف و توسط مستندسازان ما معرفی شوند. این کار تاثیر بسیار بالایی در امیدبخشی مردم خواهد داشت. این افراد در روستاها و مناطق کم برخوردار کشورمان بسیار زیاد هستند و انشاءالله در سال‌های آینده شاهد فیلم‌های مستند بیشتری با این موضوع باشیم. البته نکته مهم‌تری درخصوص اکران اینگونه فیلم‌ها وجود دارد که اگر این آثار در سالن‌های نمایش شهرهای مختلف کشورمان نمایش داده‌شود بسیار تاثیرگذارتر خواهد بود تا اینکه شاهد حضور این فیلم‌ها صرفاً در جشنواره‌های مختلف باشیم. امیدواریم مسئولین کشورمان نیز توجه بیشتری به روستاها و مناطق مختلف کشور داشته باشند.



امیدواری باید بخشی از فرهنگ ما باشد

در هنگام تماشای این مستند، مردمانی را مشاهده می‌کنیم که با وجود تمام سختی‌ها و مشکلات‌شان، امیدوارانه زندگی می‌کنند. امروزه متأسفانه اثرگذاری افراد ناامید بر روی افراد جامعه بیشتر شده‌است. همیشه به جوانان و نوجوانانی که با آنها در ارتباط هستیم، توصیه می‌کنم که ابتدا از موفقیت‌ها و داشته‌ها سخن بگویند. در کشور ما با تمام مشکلاتی که وجود دارد، پیشرفت‌های فراوانی در زمینه‌های مختلف بدست آورده‌ایم و بایستی این مسائل را با یکدیگر به اشتراک بگذاریم. به عقیده من، امیدواری باید تبدیل به فرهنگ ما شود؛ کشورما در تاریخ خود فراز و نشیب‌های زیادی تجربه کرده‌است که اتفاقاً همین افراد امیدوار باعث عبور ما از تنگناهای سخت شده‌اند. با داستان مستند «گمشاد». شخصیت اصلی آن که فردی امیدوار و پرتلاش بود، همزادپنداری کردم و حتی در مواقعی نگران بودم که محصول چای ترش او دچار مشکل نشود.

مردم باید تماشاگر مستندهای حوزه «ملت قهرمان» باشند

بخش «ملت قهرمان» در جشنواره مردمی فیلم عمار، به انسان‌های موفق و تاثیرگذار می‌پردازد. این افراد معمولاً همیشه نیمه پر لیوان را می‌بینند و سرشار از امیدواری هستند. شاخصه اصلی افراد موفق همین امیدواری به آینده است. انشاءالله این افراد و مسیر زندگی‌شان به مردم معرفی شوند. و اینگونه فیلم‌ها فقط مختص جشنواره‌ها نباشد و همه افراد جامعه بتوانند تماشاگر این فیلم‌ها باشند تا این روحیه در جامع تسری پیدا کند و افراد بیشتری به زندگی امیدوارانه تشویق شوند.

«گم‌شاد»

صدای مردم محروم مناطق جنوب کشور

سختی‌های زیادی را در راه تولید مستند «گم‌شاد» به جان خریدیم؛ یکی از بزرگترین مشکلات مربوط به حمل‌ونقل بود و ما مجبور بودیم حدود سه کیلومتر از مسیر صعب‌العبور را پیاده طی کنیم. گرمای بالای ۵۰ درجه سانتیگراد و همچنین ریزگردها در بعضی روزها واقعا اذیت‌کننده بود. امیدواریم این مستند، صدای مردم محروم و سرشار از استعداد مناطق جنوب کشور باشد تا مسئولین به آنها کمک کنند.

بیشترین نیاز کارگردانان مستندساز در حوزه «ملت قهرمان»، بحث همکاری ارگان‌هاست؛ اگر هر مسئولی در حد توانش کمک کند در حد همین کمک‌های اولیه مانند حمل و نقل عوامل فیلمبرداری یا اسکان آن‌ها، بسیاری از مشکلات مرتفع خواهد شد. برای ساخت چنین آثاری نیاز به همدلی و هماهنگی بیشتری میان عوامل سازنده و برخی نهادها دارد.

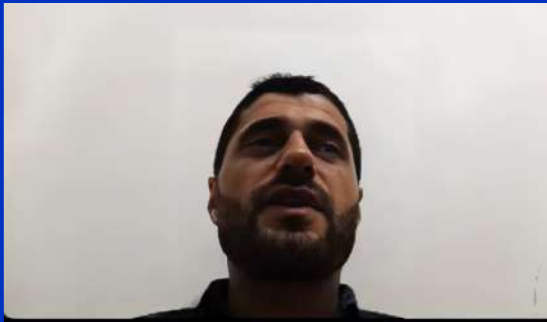


اعظم رمضان‌پور
کارگردان مستند گم‌شاد

بیوگرافی کارگردان: اعظم رمضان‌پور، متولد سال ۱۳۵۸، استان کرمان

فیلم‌شناسی: کوک زندگی، بشنو از نی، نوای نینوا، سقفی برای آرزوها، همگام با کشاورز، آبی برای آبادی، زنده مانی یا زندگانی، پته (میراث ناملموس کرمان)، یاران یار، گمشاد و...

«گم‌شاد» به معنای کسی که غم را شکست می‌دهد.





www.AmmarFest.ir

 AmmarFest۲

  @AmmarFest

 @AmmarFilm